

پژواک

نشریه خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز در برلن غربی

۱۵ دی ۱۳۶۵

شماره ۴

بن بست جنگ و مقاومت مردم

می‌رسد ولی با توجه به گزارش‌های مختلف خبرگزاری‌های جهان به نظر می‌رسد که ایران در این حمله دچار شکست فاجعه‌باری شد موثقات سنگینی را متحمل شده است.

نیروهای ایرانی که تا به حال عمدتاً با تکیه بر امواج انسانی با اعتقاد کور اسلامی موفقیت‌های نسبی نصیب خود کرده بودند، دچار تزلزل جدی شده‌اند.

افشا زده‌بند‌های پشت پرده با محافل آمریکائی و اسرائیلی در جریان سفر ملک‌فارلین، دستگیری تعداد زیادی از پاسداران و طرفداران سید مهدی هاشمی به تضعیف بیشتر روحیه و سر بقیه در صفحه ۲

طبق گزارش ارتش عراق، در بازپسگیری فو و درگیری‌های بصره، نیروهای ایرانی در مجموع بیش از ۹۰۰۰۰ کشته داده‌اند که از این تعداد فقط ۲۲۲۴۴ تن از آنها در درگیری لشکر سوم عراق در بصره کشته شده‌اند.

به دنبال این پیروزی، صدام حسین مراسم جشن و سرور در کشور برپا کرد و به نظامیان پیام فرستاد.

رادیو ایران این گزارش را اغراق‌آمیز تلقی کرده و ادعا کرده که شمار کشته‌شدگان عراقی در این حمله به ۹۱۰۰ تن رسید.

با وجود اینکه تعداد کشته‌شدگان مورد ادعای دولت عراق در حمله اخیر اغراق‌آمیز بنظر

سخنی دوباره با خوانندگان

سخنی دوباره با خوانندگان را ضروری می‌دانیم، چرا که در فاصله نه چندان طولانی که از آغاز انتشار "پژواک" می‌گذرد، با سئوالاتی چند در رابطه با مشخصات مرحله کنونی فعالیت و حرکت نیروهای منفصل از حزب توده ایران و جهت و هدف مرحله‌ای این فعالیت؛ نقش و جایگاه "پژواک" در این حرکت، هدف از انتشار و نیز مسائلی پیرامون برخی مطالب مندرج در آن مواجه بوده‌ایم.

همانطور که در آغاز انتشار "پژواک" بیان داشتیم، این نشریه به عنوان شمره کوشه دیگری از فعالیت و حرکت مجموعه نیروهای منفصل از حزب توده ایران، در مقطع پس از جدایی از سازمانهای حزبی، با هدف انعکاس مهمترین رویدادهای ایران و جهان و نیز جدیدترین و جالب‌ترین موضوعات و نظرات در سطح جنبش چپ ایران و جهان، به کوشش "جنبش توده‌ایهای مبارز برلن غربی" (سازمان موقت اعضای انضباطی حزب توده ایران در برلن غربی)، منتشر می‌شود.

اعضا و کادرهای منفصل از حزب توده ایران، حرکت امروزی خود را متأثر از قریب به نیم قرن مبارزه درون حزبی و در مرحله فعلی، ادامه این حرکت را تنها در خارج از تشکیلات بوروکراتیک موجود و نفی قطعی آن امکان پذیر می‌دانند. حرکت امروزی ما، که شکست فاجعه‌بار حزب زمینه ساز آغاز آن شد، طی سه سال مبارزه بخرنج درون حزبی، شعارهای خود را تکامل بخشیده و اینک تدوین کارهای مشترک برای مشخص کردن چارچوب سیاسی - ایدئولوژیک بر اساس شرکت وسیع نیروهای منفصل از حزب با رعایت دموکراسی و توجه به رهبری و خرد جمعی را هدف مرحله‌ای خود قرار داده است. حرکتی که با شعار احیاء و سالم سازی انقلابی حزب توده ایران، با هدف بریدن از اپورتونیسم سیاسی و تأمین دموکراسی واقعی در حزب، ایجاد روابط بین المللی سالم و در یک کلام، ایجاد یک تحول بنیادی در همه زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی و در عرصه مناسبات بین المللی آغاز شد، اینک تحقق این خواسته‌های اساسی و اصولی را تنها در ایجاد یک آلترناتیو انقلابی، میسر می‌داند. خطوط اساسی این خواسته و آرمانها، در اسنادی که طی

بقیه در صفحه ۳

نگاهی به روند نوگرایی و اصلاحات در اتحاد شوروی

در صفحه ۶

امپریالیسم و جنگ ایران و عراق

در بحبویه، رسوایی فروش اسلحه به ایران توسط ایالات متحده، امریکا، روزنامه واشنگتن پست (۱۵ دسامبر) گزارشی در مورد تغذیه اطلاعاتی عراق توسط آمریکا به چاپ رسانده است. طبق این گزارش آمریکا از دو سال پیش عراق را با اطلاعات دهنی سپا در حمله به هدفهای اقتصادی حمایت می‌کرده است.

از اوت سال ۸۶ همکاری میان سیا و عراق تنگاتنگتر شده است. بر اساس این گزارش از این تاریخ ارتباط مستقیم و شدیداً مخفی واشنگتن - بغداد برای بهتر کردن کیفیت و اثربخشی اطلاعات داده شده برقرار گردید. رئیس سازمان سیا، ویلیام کیسی، در اکتبر با وزیر امور خارجه عراق طارق عزیز ملاقات کرده است تا از چگونگی عملکرد ارتباطات اطمینان حاصل کرده، عراق را به حمله‌های بیشتر ترغیب کند.

این همکاریها به طور عمده شامل دادن اطلاعات تهیه شده توسط ماهواره های جاسوسی آمریکا از تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران به عراقیها بوده است. به کمک این اطلاعات عراقیها توانسته‌اند ضربات هوایی مؤثری به مواضع اقتصادی ایران از جمله به تأسیسات نفتی جزایر خارک و سیری ویا نیروگاه نکا در نزدیکی مرز شوروی وارد کنند.

بقیه در صفحه ۲

گوشه‌هایی از مصاحبه دکتر عبدالرحمان قاسملو با ماهنامه "کوردستان"

در صفحه ۴

"صلح، اراده واحد ملی"

همانگونه که در "پژواک" شماره ۱۲ اطلاع داده بودیم، در تاریخ ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۸۶، سمیناری به ابتکار "جامعه دفاع از حقوق مدنی و اجتماعی مردم ایران" در شهر رم، با شرکت شخصیت‌های برجسته اجتماعی - سیاسی ایتالیایی و خارجی برگزار شده بود، که در آن مدعین ایرانی نیز سخنرانی کردند.

چنانچه از اطلاعات مطبوعاتی سمینار بر می‌آید موضوع اصلی سمینار "اروپا در برابر جنگ ایران و عراق" بود، معجزاً بحثها و سخنرانیه‌ها از آن فراتر رفت و مسائلی نظیر نقض حقوق بشر در ایران، مساله تسلیحات و نقش سوداگران بین‌المللی فروش اسلحه در این جنگ، تأثیر جنگ و پیامدهای آن در زندگی مردم، تأثیر جنگ بر نیروهای سیاسی ایران و اپوزیسیون و نقش افکار عمومی جهان در مبارزه برای صلح و دموکراسی در ایران را در بر گرفت.

سمینار، با پیام احزاب موثله در استان لازو - که شهر رم مرکز آن است - آغاز گشت. در این سمینار از جمله پروفیسور "آنتونیو کاسس" رهبر حزب رادیکال چپ ایتالیا، پروفیسور "رافائلسی" رئیس اتحادیه حقوق بشر، عقیده و هدف در ایران و از رهبران حزب دموکراسی پرولتری، خانم "کور-مدولی" (که درباره کردستان ایران صحبت کرد)، آقای کاولری (حقوقدان معروف و رئیس انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و مهاجرین سیاسی در ایتالیا)، نماینده حزب کمونیست ایتالیا،

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

ویتنام: پیروزی اصلاح طلبان

درباره سرشماری عمومی کشور

گویه‌ها

برگزاری کنفرانس ایتالیا

بن بست جنگ و ...

در کمی نیروهای اسلامی در جبهه‌ها بسیار کم کرده است.

بجاریان پالایشگاهها، سدها از جطه سدنگا و مراکز صنعتی و نظامی کشور ۲۰۰۰ در این جنگ ویرانی‌های بسیاری را به بار آورده است. در اثر این بمبارانها هرروزه تعداد زیادی از مردم میهنان جان خود را از دست می دهند و سرنهادهایشان با خاک یکسان می شود. خاموشی‌های طولانی ناشی از بمبارانها در شهر های ایران گاه تا ۱۸ ساعت در روز می رسد. تعطیل مراکز صنعتی و در پی آن بیکساری کمبود مایحتاج عمومی و مواد غذایی از جمله نان و پنیر ۲۰۰۰، گرانی سرسام آور، کمبود آب، مشکل مسکن ۲۰۰۰ با گسترش جنگ هر روز ابعاد وسیع تری به خود می گیرد.

مشکلات و فشارهای فزاینده ناشی از جنگ و سیاستهای ویرانی آور رژیم جمهوری اسلامی، چنان مردم را به تنگ آورده که مسئولان و دست اندرکاران رژیم را به وحشت انداخته است.

آیتالله صانعی در نماز جمعه قم در تاریخ ۶ دیماه چنین می گوید: "در شرایط کنونی جامعه و کمبودهای ناشی از جنگ عده‌ای با درآمد های سرشار به غارت و ثروتاندوزی مشغولند ولی ما باید متوجه باشیم که در این جامعه اسلامی و در مقابل این سرمایه داران خون آشام هنوز کسانی هستند که در نهایت فقر زندگی می کنند و این عادلانه نیست. اکنون عده معدودی از افراد معلوم الحال لباس حمایت از انقلاب را به تن کرده اند که این یک حيله است و آنان با هدف تأمین منافع مادی خود شعار طرفداری از انقلاب را سر می دهند."

و یا در تاریخ ۲ دیماه یکی از نمایندگان مجلس در نطق خود می گوید: "بعضی ها به کلماتی نظیر مستضعفین، گرسنگان، زران و زنان و تکرار آنها حساسیت بی جهت پیدا کرده اند که همین حساسیت های زاید الوقت شک هایی را برانگیخته است. همه مردم حق دارند از این ارز از این نفت و از این خدمات دولتی بهره ببرند و نه فقط قشر خاصی که پول دارند و هوچی هستند و ما می گوئیم این معنا ندارد که سوسید بد هیم تا آقایان و شروتمندان کاخ بسازند. بچه های خوب ما مظلومانه کشته شوند تا امنیت دریائی بوجود آید آنوقت گردن کلفتها بتوانند براحتی و با یک تلفن و با جابجائی یک کشتی آنقدر داشته باشند که هرکاری دلشان خواست، انجام بدهند."

صانعی و نماینده دیگر مجلس، که از مسئولین درجه اول این رژیم می باشند، چنان صحبت می کنند که گویا غارت و ثروتاندوزی سرمایه داران نه از برکت رژیم ولایت فقیه و در جامعه‌ای که خود از سرمایه داران آن هستند، بلکه در جامعه‌ای دیگر انجام می شود. مسئولین رژیم به بحث می کوشند با اقرار مصائب و مشکلات کنونی، خود را در برابر مردم تبرئه کرده و سوار بر امواج اعتراضی مردم

امپریالیسم و ...

گزارش اخیر واشنگتن پست نظرات ما را در شماره های قبلی "پژواک" در مورد سیاست ایالات متحده در قبال جنگ ایران و عراق تأیید می کند. ما نشان دادیم که آمریکا خواهان پیروزی هیچ يك از طرفین درگیر در جنگ نیست از این رو در عین حال که می کوشد با دادن امتیازاتی خود را به رژیم ایران نزد يك كرده حکام جمهوری اسلامی را به يك توافق بر سر مسئله جنگ سوق دهد، سعی در جبران برتری نظامی ایران از طریق تقویت عراق دارد.

در گزارش واشنگتن پست آمده است، کم کم های اطلاعاتی عراق موقعی داده شد که ایستگاهان در تدارك يك حمله بزرگ به عراق بود. واشنگتن پست سپس به نقل گفته يك نماینده حکومت آمریکا می پردازد که حمایت اطلاعاتی از عراق را در جهت سیاست آمریکا برای "نگهداشتن ایران و عراق در يك وضعیت پات" می خواند.

تقویت دو طرف درگیر نمایانگر علاقه آمریکا به ادامه این جنگ است. این سیاست ایالات متحده در جریان رسوائی اخیر طوری عیان گشت که حتی یکی از مقامات رسمی کابینه ریگان اعتراف می کند: "ارسال اسلحه برای ایران و اطلاعات ماهواره‌ای برای عراق، يك اقدام جدی برای روشن نگه داشتن آتش جنگ بوده است."

حتی پس از افشای جریان فروش اسلحه توسط آمریکا به ایران، کیسی رئیس سازمان سیادار ملاقاتی که به تقاضای طرف ارتباط عراقی انجام شده بود، از جریان مذکور عذرخواهی نکرده تنها قول دادن اطلاعات بیشتر و دقیقتر به عراقیها را داد.

یکی دیگر از نتایجی که امپریالیسم از ادامه جنگ انتظار دارد، تضعیف هرچه بیشتر اقتصاد دو کشور ایران و عراق و به زانو درآوردن نهایی

گردند. امروز دیگر آشکار است که مسئولین رژیم ولایت فقیه در پی ادامه سیاست جنگ طلبانه خود جان دهها هزار جوان را به کشتن می دهند و از سوی دیگر زمینه مناسبی برای رشد سرمایه داران غارتگر فراهم می کنند.

روند شرکت در جبهه‌های جنگ ابتدا با شرکت داوطلبانه بخش عظیمی از نیروهای مسلمان شروع شد و بتدریج با گسترش تر شدن جنگ و تأثیر مخرب آن بر زندگی میلیونها انسان، این شرکت داوطلبانه مبدل به پدیده‌های متعدد فرار از جبهه‌ها و عدم شرکت در جنگ و نظام وظیفه، گشت. امروزه در ادامه این روند، ما شاهد مقاومت های جدی و سازمان یافته مردم علیه جنگ ویرانگر هستیم.

اخبار کارخانه‌ها حاکی از مقاومت شدید کارگران در برابر اعزام به جبهه‌ها، است. در برخی از کارخانجات مانند ایران ناسیونال، شرکت

رژیمهای این دو کشور در مقابل خواسته‌های خود است.

باید گفت این هدف با موفقیت به پیش رفته است. مهمترین مراکز اقتصادی دو کشور در آتش و دود نابود شده اند، واحدهای اقتصادی که هنوز به طور عده آسیب ندیده اند با دشواریهای بسیار در امر ادامه تولید روبرو هستند.

روزنامه "میدل ایست می نویسد: "ایران به علت بمباران پالایشگاههایش باید روزانه سیصد هزار بشکه کروزین و بنزین و محصولات مشابه وارد کند. پالایشگاه تهران پس از مدت ها محدودیت در تولید، امروزه با تمام ظرفیت کار می کند، ولی پالایشگاه های شیراز، اصفهان و تبریز به اندازه نصف قبل از جنگ نفت پالایش می کنند و پالایشگاه باختران ابدآ تولید نمی کند. ادامه جنگ همچنین ادامه سرانیز شدن سود های سرشار از فروش تسلیحات و خدمات نظامی به جیب انحصارات نظامی است.

لاری اسپیکس سخنگوی کاخ سفید در توجیه جریانات اخیر می گوید: "کمک به عراق جهانگیر است، برای این کشور راه ارسال اسلحه و مهمات توسط کشورها و دلان اسلحه باز است. در عین حال تولید کنندگان مختلف در طول ۶ سال گذشته به میزان ۲۵ میلیارد دلار اسلحه به ایران فروخته اند ۲۰۰۰ که هیچ تأثیری در نتیجه جنگ نخواهد داشت."

چگونه می توان درآمدی را که به قیمت به خاک و خون کشیده شدن دهها هزار نفر در يك جنگ بی معنا بدست می آید، توصیف کرد. فروش سلاح به رژیمهای خون آشام خینی و صدام و کمک به روشن نگاه داشتن شعله های جنگ خانمانسوز ایران و عراق، که تنها به ایالات متحده هم محدود نمی شود، سودائی نفرت انگیز با حیات انسانها و جنایتی علیه بشریت است.

تشك خوشخواب، سایپا، ۲۰۰۰ يك نوبت از سفونت کارخانه اختصاصی به جبهه‌ها داشت که با اعتراض شدید کارگران مواجه گشته و مسئولین امر را وادار به عقب نشینی کرده است.

موج اعتراضات و مقاومت های مردم اخیراً در بعضی از شهرهای ایران از جمله مشهد، قزوین، ایرانشهر ۲۰۰۰، به اشکال مختلف گسترش یافته است. مردم جان به لب رسیده با تجمع در صف های گوناگون، اعتراضات خود را علیه جنگ وضع موجود در جامعه به گونه های مختلف بیان می کنند. با توجه به بن بست جنگ و سیاست های ضد مردمی رژیم اسلامی، می توان انتظار تشدید و گسترش مقاومت های هرچه بیشتر را از جانب مردم داشت.

سخنی...

سه سال گذشته در نقد دیدگاه‌های حزب توده ایران، از طرف توده‌ای‌های مبارز منتشر شده‌اند، منعکس است.

توده‌ای‌های مبارز، طی این اسناد، با سه نقد کشیدن همه جانبه مواضع انحرافی و اپورتونیستی گردانندگان حزب در مرحله پس از شکست فاجعه بار، برخورد روشن به سیاست حزب در چهار سال پس از انقلاب و ریشه‌یابی مشی غیرانقلابی و دنباله روانه آن؛ اعلام دیدگاه‌های خود در زمینه مهم‌ترین مسایل سیاسی، تئوریک و تشکیلاتی، از جمله خصلت دموکراتیک انقلاب آینده ایران با ستمگری سوسیالیستی و ضرورت سرکردگی طبقه کارگر در آن، نیروهای محرکه انقلاب و سیاست اتحاد نیروهای انقلابی، نقد برداشت انحرافی حزب توده ایران از تئوری راه رشد غیرسرمایه داری و مردود شناختن این تئوری برای جامعه ایران که دارای بافت سرمایه داری است، مسئله دموکراسی در حزب و اهمیت مبارزه برای دموکراسی در جامعه، مرزبندی مشخص خود با دیدگاه‌های اپورتونیستی ریشه دار در حزب توده ایران را اعلام کرده‌اند.

توده‌ای‌های مبارز، ضمن اینکه در مقطع حاضر، مباحثات سیاسی و تئوریک خود حول محور این خطوط اساسی را به منظور دستیابی به انسجام کامل فکری و توافق بر سر یک کارنامه مشترک انقلابی و اعلام پلان اقدام می‌دهند، بررسی و تحلیل واقع‌بینانه و همه جانبه تاریخچه و چند ساله حزب توده ایران و ارائه جمع‌بندی‌های خود به جنبش انقلابی ایران را از وظایف خود می‌دانند.

"جنبش توده‌ای‌های مبارز برلین غربی" بمثابة جزئی از کل این مجموعه نیروهای متفصل از حزب توده ایران و به موازات حرکت در جهت هدف مرحله‌ای این مجموعه، انتشار "پژواک" را در چارچوب توافقی‌های بعمل آمده در نشست‌های هماهنگی، با توان محدود خود و با هدف تلاشی در حد توان، برای ارائه یک نشریه خبری، که مجموعه نیروهای جدا شده از حزب توده ایران در مرحله گذار کنونی تا مقطع اعلام موجودیت و انتشار ارگان و نشریات مرکزی، انتشار آنرا لازم می‌دانند، صورت می‌دهد.

سیاست رژیم جمهوری اسلامی در این جنگ، که بر محور صدور انقلاب اسلامی از راه جنگ به عراق و بهره برداری از جنگ برای سرکوب نیروهای سیاسی و سلطه مطلق استبداد مذهبی بر کشور استوار است، تاکید نمود: "جنگ ایران و عراق نه با اراده مردم عراق، بلکه با تصمیم ماجراجویانه و فرصت طلبانه حکام بعثی عراق آغاز شده است، و نه با اراده مردم ایران، که با تصمیم مستبدانه شخص خمینی ادامه دارد. اگر جنگ و استبداد ابزار کار حاکمیت جمهوری اسلامی است، باید صلح و آزادی شعار حداقل سازمان‌های سیاسی ایران، برای رهایی مردم بلادیده ایران از مصائب روزافزونی باشد، که تارک اندیشان خون آشام جمهوری اسلامی به ارمغان آورده‌اند. مبارزه در راه صلح، مبارزه‌ای است در جهت دفاع از مردم تحت ستم ایران و عراق که قربانیان اصلی این جنگ مخرب هستند. در شرایطی که حتی در داخل ایران و عراق صدای دفاع از صلح بلند شده است، این نهایت هشیاری و احساس مسئولیت است، که سازمان‌های سیاسی خارج از کشور بتوانند، نظریه‌های خود را درباره صلح و قطع جنگ ایران و عراق بصورت اراده واحد ملی در آورند و برای رسیدن به آن، راه‌های همکاری مشترک بیابند."

رفیق بابک در خاتمه سخنرانی خود، تشکیل یک جبهه متحد نیروهای سیاسی ایران را در یک چارچوب حداقل برای صلح و آزادی در خارج از کشور ضروری خواند و گفت: "سازماندهی ابتکارات متنوع و بویژه در برابر دولتهای خارجی و خصوصاً کشورهایی که هم اکنون به اشکال مختلف اسلحه به ایران می‌فروشند و همچنین تجهیز افکار عمومی در این رابطه و تماس با احزاب و سازمان‌های سیاسی این کشورها برای

"صلح، اراده..."

آقای "سیلو بوا" (متخصص امور تسلیحات از اتحادیه کل کارگران ایتالیا)، "سرجیو گیلانتسی" (مسئول روابط بین‌المللی اتحادیه کل کارگران ایتالیا)، و در پایان پروفیسور "زیگلر" (رئیس شعبه تحقیقات اجتماعی دانشگاه سوربن و دانشگاه ژنو) در رابطه با نقش تسلیحات و سوداگران کنسرنهای اسلحه سازی در تشویق و طولانی کردن جنگهای خانمان برانداز، بر اساس آمارها و داده‌های بسیار افشاگرانه، سخنرانی نمودند. پروفیسور "زیگلر" خاطر نشان ساخت که پس از جنگ جهانی دوم و تا سال ۱۹۸۵، چهل و سه جنگ محلی و منطقه‌ای در گرفته است، که طی آنها بیش از ۶ میلیون نفر کشته شده‌اند. در حالیکه ۱۲۲ کشور "جهان سوم" بطور متوسط ۳/۵ درصد کاهشد درآمد خالص ملی دارند، معیناً ۱۱ درصد در سال گذشته اضافه شده است. اینک "ملتهای فقیر" در حالیکه اسلحه بدست دارند، می‌میزند! کسری موازنه تجارتي کشورهای اروپا و آمریکا به همان نسبت صادرات و فروش اسلحه به کشورهای جهان سوم جبران می‌شود. پروفیسور "زیگلر" با آمار دقیق رابطه جنگ ایران و عراق و رشد صادرات اسلحه کشورهای اروپایی به دو کشور در حال جنگ و وابستگی کارخانه‌های تولید سلاح و اشتغال را با ضرورت کانون‌های جنگ و تنش در "جهان سوم" نشان داد.

رفیق بابک امیرخسروی که از مدعیین این سمینار بود و درباره موضوع "تأثیر جنگ بر نیروهای سیاسی ایران" سخنرانی نمود، در صحبت‌های خود پس از تحلیل علل جنگ ایران و عراق و افشا

گویه‌ها

از خلق می‌گویند:

هنگامی که دستانش را در بند کرده‌اند،

در بند فسون.

از خلق می‌گویند:

هنگامی که از هر خانه‌ای،

گورستانی

و از هر آبادی،

ویرانه‌ای تصویر می‌کنند.

از خلق می‌گویند:

هنگامی که بر بالین حماقت

با خمیازه‌ای دلگیر،

فرمان خشکسالی آدم را

لبیک می‌گویند.

از خلق می‌گویند...

و خلق از خود می‌گوید:

از زمره‌های خاموش فریاد.

از طغیان ققنوس خشم،

در بارگاه بیداد.

جواد اسدپور

تحریم واقعی و قطعی فروش اسلحه و مهمات به ایران، تحت هر عنوان که باشد، و اعمال فشار بین‌المللی روی دولتهای ایران و عراق و بویژه ایران که مسبب اصلی ادامه جنگ است، از چنان اهمیتی برخوردار است، که تا مل در برابر آن تحت هیچ بهانه سیاسی واید تئوریک قابل توجیه نیست.

رفیق بابک امیرخسروی سخنان خود را با این جملات پایان داد: "دولت قهر و جنگ ایران فقط زبان قهر و زور را می‌فهمد. مهم‌ترین مسئله تحریم واقعی فروش اسلحه و مهمات به ایران است. باید کشورهای اروپایی و آمریکایی را مجبور کرد که با ضرب الاجلی برای صلح و در صورت امتناع به تحریم خرید نفت ایران بپردازند. صلح باید به دولت جمهوری اسلامی ایران تحویل شود. بنظر ما شعار صلح عام‌ترین و مرم‌ترین شعار همه گیر است که اولین حلقه را در سلسله زنجیر مبارزات مردم ایران، در راه سرنگونی جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهد."

سمینار بعد از دو روز بحث، با یک جمعیت از دو روز بحث و یک اطلاعیه مطبوعاتی، به کار خود پایان داد. از جمله توصیه‌های مهم این نشست، تشکیل "دادگاه بین‌المللی مهدق" نظیر "دادگاه بین‌المللی برتراند راسل"، در مسئله ایران است، که قرار است در بهار سال آینده تشکیل گردد.

گوشه‌هایی از مصاحبه دکتر عبدالرحمان قاسملو با ماهنامه "کوردستان"

از مبارزات خلق کرد، کمک به بازتاب هر چه گسترده تر اخبار مقاومت و رویدادهای انقلابی این منطقه از کشور در میان مردم ایران، رساندن بانگ حق طلبانه خلق کرد به گوش جهانیان و همکاری و همبستگی با گردانهای پیشاهنگ جنبش انقلابی کردستان و در رأس آنها حزب دموکرات کردستان ایران است. ما به سهم خود در راستای چنین وظیفه‌ای گام برخواهم داشتیم. در زیر، جهت آگاهی خوانندگان و نیروهای مترقی دیگر، از مواضع حزب دموکرات کردستان ایران، گوشه‌هایی از مصاحبه دکتر عبدالرحمان قاسملو، دبیرکل این حزب را با نشریه "کوردستان" (شماره ۱۲۰)، درج می‌کنیم.

عقید برداشته، جمعی از بهترین فرزندان مبارز خود را از دست داده؛ ولی هیچگاه به زانو در نیامده و لحظه‌ای درفش پیکار انقلابی و عادلانه خود را از کف نینداخته است. امروز هفت سال پس از آغاز مبارزه مسلحانه خلق کرد، خطه قهرمان پرور کردستان، همچنان چشم و چراغ جنبش انقلابی میهن ما و سنگر استوار پیکار و پایداری علیه رژیم خونریز خمینی است. از همین روست، که مردم سرسرایران، به مبارزات برحق مردم کردستان، پا دیده احترام و تحسین می‌نکنند.

پیشک از اهم وظایف مبارزان انقلابی و پیرو کمنیستهای ایران، دفاع و پشتیبانی همه‌جانبه

هفت سال پیش، خلق قهرمان کرد، شعله مبارزهای مقدس و خونین را علیه رژیم جبار خمینی روشن کرد. هفت سال است، که رژیم مرتجع جمهوری اسلامی، بر سر مردم ستم برپا کرده کردستان، که گناهی جز خواست برحق و عادلانه برای خود مختاری ندارند، آتش می‌بارد، ولی طی این مدت هیچگاه قادر به درهم شکستن اراده آهنین آنها نشده است.

در مرکز همه حوادث انقلابی کردستان و در رأس همه گردانهای انقلابی خلق کرد، حزب دموکرات کردستان ایران ایستاده است. این حزب طی هفت سال اخیر در پیکاری خونین و نابرابر، علیه مزدوران رژیم، بارها زخمهای

و اعضا (بالقوه) جبهه دور هم جمع شوند و دو سند اساسی (برنامه و آیین نامه) را تصویب نمایند. کاملاً روشن است که این مسأله نیز پروسه ایست که هم نیازمند وقت است و هم به فعالیت احتیاج دارد. از این رو است که از یک طرف، تشکیل جبهه نمی‌تواند زیاد به تأخیر بیاقتد، و از طرف دیگر برپایه تجربیاتی که از شورای ملی مقاومت داشته‌ایم، باید همه این مشکلات را پیش از تشکیل جبهه چاره‌سازی نماییم و اهداف جبهه را به روشنی فرموله کنیم، تا چنان مشکلات باقی‌نماند که در همان آغاز تشکیل جبهه، به صورت موانعی بر سر راه فعالیت چنین جبهه دموکراتیکی درآید. مسأله مهم این است که همه طرفهای شرکت‌کننده متوجه باشند، که با رعایت اصل پلورالیسم دموکراتیک و با خودداری از کوشش برای تحمیل هژمونی خود در این جبهه باید فضای سالمی را در جهت همکاری در درون جبهه بوجود آورند. اگر چنین فضایی حقیقتاً دموکراتیک باشد و همه نیروها بتوانند در آن با یکدیگر همکاری کنند، خود نمونه‌ای خواهد بود برای همکاری و همزیستی در آینده پس از سرنگونی رژیم خمینی. برای آنکه این نیروها بتوانند در اداره امور کشور و سیاست میهنان نیز با یکدیگر همکاری نمایند، می‌توانم بگویم بطور کلی استقبال که از پیشنهاد های حزب دموکرات برای تشکیل جبهه دموکراتیک بعمل آمده بیش از آن بود که انتظار می‌رفت. اکنون معتقدم چنانچه اینگونه تماسها ادامه داشته باشد، و با همه نیروها و شخصیتها و سازمانهای دموکراتیکی که تا بحال با آنها در این مورد صحبتی نشده، تماس گرفته شود، جبهه دموکراتیک ضد امپریالیستی، که پیشنهاد حزب ماست، در آینده نه چندان دوری تشکیل خواهد شد، (جبهه‌ای) که برای اکثریت خلقهای ایران، که طرفدار آزادی و دموکراسی، استقلال ایران و تأمین حقوق زحمتکشان هستند، مایه امید خواهد بود.

سؤال: افکار عمومی در سطح جهان رژیم خمینی را چگونه می‌شناسد؟ آیا کشورهایی وجود دارند که با رژیم خمینی روابط دوستانه‌ای داشته باشند

همه دموکراتها بطور کلی دریافتند چنین خلای باید بوسیله یک جبهه وسیع و دربرگیرنده همه سازمانها و شخصیتهای دموکرات پرشود، زیرا همگی احساس می‌کنند شرایط موجود در ایران از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است و رژیم خمینی با مشکلات فراوانی روبرو شده است. بنابراین سن لازم است هرچه زودتر - البته بعد از چاره سازی همه مشکلات - یک جبهه دموکراتیک با شرکت کلیه آزادخواهان ایران تشکیل شود.

در مورد اهداف جبهه، که در پیشنهاد های حزب آمده و در شماره ۱۱۴ روزنامه "کوردستان" منتشر شده است، همگی در اصول، نظر موافق داشتند. به این معنی که این چهار هدف کلی که عبارتند از: ایجاد یک رژیم مستقل، بیطرف و غیرمتعهد، تأمین دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک در ایران، تأمین حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران به شیوه خود مختاری یا فدراتیو، و تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان که اکثریت مردم ایران را تشکیل می‌دهند، مورد قبول همه قرار گرفته است. شاید در مورد چگونگی فرموله کردن بعضی هدفها، اختلاف سلیقه‌هایی باشد. لیکن بطور کلی همه کسانی که با آنها به مذاکره نشستیم، با پیشنهاد های حزب موافق بودند. همگی نیز معتقد هستند که آرمان جبهه تنها سرنگون ساختن رژیم خمینی نیست، بلکه باید چنان بدی‌لی بوجود بیاید که بتواند بعد از سرنگونی رژیم جانشین آن گردد. از این رو همه کسانی که مخالف رژیم سلطنتی هستند و به هر شیوه‌ای علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کنند و به روح همکاری و پلورالیسم سیاسی ایمان دارند، می‌توانند در این جبهه شرکت نمایند. علاوه بر مورد چگونگی تشکیل جبهه، گفتگوی بسیاری بعمل آمد. در این باره نیز بطور کلی می‌توان گفت توافق نظر وجود دارد.

نخست باید گفت درست است که تشکیل جبهه یک امر کاملاً ضروری است، لیکن نباید در این مورد عجله به خرج داد. باید قبلاً همه مشکلات مربوط به جبهه حل و فصل شوند؛ برنامه آن تنظیم گردد؛ آیین نامه داخلی آن نوشته شود

سؤال: همانطور که می‌دانید، اکثریت رهبران نیروهای اپوزیسیون ایران در خارج از کشور زندگی می‌کنند. آیا شما در این سفر (سفر به اروپا) با رهبران این قبیل احزاب و سازمانها ملاقات‌هایی داشته‌اید؟ اگر دیداری با آنها داشته‌اید، با کدامیک از این سازمانها بوده و چه مسائلی را در آن مورد بحث قرار داده‌اید؟ بالاخره، امکان تشکیل یک جبهه متحد از نیروهای میهن پرست برای سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر قاسملو: تماس با سازمانهای ایرانی برای ایجاد همکاری و هم پیمانی و نتیجتاً بمنظور تشکیل جبهه بوده است. می‌توانم بگویم تقریباً با اکثریت نیروهای مخالف رژیم، که سلطنت طلب نیستند، مذاکره شده است. همه این نیروها امید زیادی به حزب دموکرات دارند، و فکر می‌کنند حزب دموکرات باید برای ایجاد همکاری در میان نیروهای ایرانی نقش مهمی داشته و پیشقدم باشد. رویم رفته، استقبالی که از پیشنهاد های حزب دموکرات برای ایجاد وحدت و تشکیل جبهه بعمل آمده، بیشتر از آن بوده که انتظار می‌رفت. بعد از تجربیات تلخ هفت سال گذشته، بسیاری از نیروهای دموکرات و سازمانها و شخصیتها این اعتقاد را پیدا کرده‌اند که اتحاد و همبستگی نیروهای دموکرات کاملاً ضرورت دارد. با سازمانها و افرادی که گفتگو کردم، چه سازمانهای مارکسیستی و چه شخصیتهای آزادخواه، همگی معتقدند که اکنون در عرصه مبارزات سیاسی ایران خلأی بوجود آمده است. البته بنظر دموکراتها و آزادخواهان، سلطنت طلبان بدیل نیستند و آلترناتیو بحساب نمی‌آیند. آنها نمی‌توانند جانشین رژیم خمینی بشوند، چرا که از نظر تاریخی امتحان خود را داده و در این آزمایش شکست خورده‌اند. همچنین اگر به هنگام ضمیمه حزب دموکرات و چند سازمان و شخصیت دیگر در شورای ملی مقاومت، این شورا بعنوان بدی‌لی برای جانشینی رژیم خمینی به حساب می‌آید، اکنون این امکان که بتواند بصورت یک آلترناتیو دموکراتیک در آینده کشورمان مطرح باشد را از دست داده است. از این روست که

جنبش جوانان و

۱۹۸۶ را تشکیل می‌داد که در جریان آن سیاست‌های حزب در برخورد با مسئله جوانان مسرود ارزیابی مجدد انتقادی قرار گرفتند. از جمله "گلد لایر" بد رستی اظهار داشت: "برای همراه بودن با یک جریان، باید از خود آن سریع تر حرکت کرد."

وظایف کمیست‌ها در برابر این واقعیت دائما تحول یافته و تا حدود بسیاری "نو"، شناخت واقعی آن، بودن در کنار آن و از این طریق درک جوانان و طرح مسائلی است که برای آنها و زندگی آینده جوانان واقعا "از اهمیت برخوردارند". در یک کلام برای بودن در کنار جوانان باید با آنها زیست، خواسته‌ها و انگیزه‌های آنها را شناخت، به واقعیت‌های عینی زندگی آنها توجه کرد. جنبش دانشجویی جوانان اینک با شکلهای گوناگون در فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، یونان، بلژیک، انگلستان و... فعال شده‌اند و بطور مستقیم در خدمت گسترش مبارزه اجتماعی در این کشورها قرار دارند. پدیده‌ای که از هر نظر شایسته توجه بیشتر است. ما کوشش خواهیم کرد در مقالات آینده برخی از اصیلترین ویژگیهای مشترک جنبش جوانان در اروپا و موارد اشتراک و افتراق آن با جنبشهای نیرومند جوانان در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را به بحث و وسیعتر گذاریم.

مخصوص (در ارتباط با جبهه‌ها طوری که در آن مسلسل متحرک فرار می‌گیرد) جلب کردند، «مرادادی به ارزش ۲۷ میلیون لیبره استرلینگ به اصرار رساندند».

✽ "طنین مرگ بر خمینی در فضای شهر قزوین" طبق اطلاع به علت کمبود شدید گاز و نحوه توزیع آن در قزوین، مردم به جان آدمو خشکین شهر قزوین بعد از ۷ الی ۸ روز معطلی و عدم دریافت گاز، در مقابل جایگاههای "پرسی" و "ایران گاز" ازدحام کرده و با شعارهای "مرگ بر فرمانداری"، "مرگ بر شهرداری"، خواستار توزیع عادلانه گاز شدند. این تظاهرات و اجتماع چند صد هزار نفری مردم قزوین که مورد خشم و کینه ارگانهای سرکوب می‌شود، نهایتا باعث می‌گردد که جایگاههای پرسی و ایران گاز از روز یکشنبه ۲۷/۷/۸۵ مورد محاصره پاسداران لایته فرار گیرد. اما غیرمکنترل شدید مقامات رژیم اسلامی، مردم خشکین بار دیگر در ساعت ۹ صبح یکشنبه با کپسولهای خالی در مقابل جایگاههای مذکور اجتماع کرده و بعد از ساعتها که از کپسولهای گاز خبری نمی‌شود این بار خشم و کینه خود را بر سر پاسداران خالی کرده و باطنین "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر پاسداران" به مقابله با مأموران پرداخته ختند.

بنا به اطلاع فریب به ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر در این اجتماع شرکت داشته و نزدیک به نیم ساعت شعار می‌دادند.

پاسخم این بود: ۲۵ سال ۰ در آن هنگام بعضی از رفقا فکر می‌کردند دارم شوخی می‌کنم. ولی حالا که هفت سال از آن تاریخ گذشته، بر این باور نیستم که هیجده سال باقی مانده باشد. می‌توانم با خوشبینی بگویم پیش‌ازگذاشته خوشبین هستم. این خوشبینی دو جنبه دارد: از یک طرف شرایط و اوضاع کشور این خوشبینی را در من بوجود آورده است. وضع رژیم چه از لحاظ نظامی و اقتصادی، و چه از نظر سیاسی و اجتماعی، به مراتب از گذشته بدتر شده است. مردم بسیار بیش از سابق از رژیم ناراضی هستند. گرچه نمی‌توانند این ناراضی را آشکارا ابراز کنند. از طرف دیگر خوشبینی من به فعالیت‌های مربوط می‌شود که حزب دمکرات، رهبری، اعضا، و پیشمرگان از خود نشان می‌دهند. عملیات پیشمرگان در سال جاری، که بسیار موفقیت‌آمیز بود، بنظر من تنها از نظر کمی مهم نیست بلکه جنبه کیفی آن بسیار حائز اهمیت است. وقتی عملیات پیشمرگان را در بهار و تابستان بررسی می‌کنم، این مساله توجهم را جلب میکند که پیشمرگان با نظم و ترتیب بسیار مطلوبی دست به عملیات زده‌اند و با طرح برنامه‌های کاملاً اصولی و با آمادگی تمام به اجرای عملیات پرداخته‌اند و از این رو کیفیت عملیات بسیار خوب بوده. دلیل آشکار این مساله این است که در بسیاری از موارد متحمل هیچگونه تلفات جانی‌ای نشده‌اند یا عده شهیدان آنها بسیار اندک بوده است. در حالیکه در میان افراد مسلح رژیم عده زخمی‌ها و کشته‌ها زیاد بوده و عده زیادی نیز تسلیم شده‌اند. در حالیکه این مساله نشانگر بهبود نظم و ترتیب و بهتر شدن وضع پیشمرگان است، در همان حال نشانه در هم ریختگی وضع رژیم، بویژه در زمینه نظامی است. اینکه در گذشته، افراد مسلح رژیم تا آخرین فشنگ می‌جنگیدند ولی حالا خیلی زود تسلیم می‌شوند، یا اینکه پایگاه‌هایشان پسدادگی تسخیر می‌شود، نشان دهنده این واقعیت است که روحیه افراد مسلح رژیم - که از مهمترین نقاط قدرت رژیم به حساب می‌آمد - بشدت سقوط کرده است. در واقع، این نیروها روحیه خود را به کلی از دست داده‌اند. این پدیده را به عنوان سرآغاز پروسه تازه‌ای می‌بینم، و آن پایان دوره تعرض و یورش رژیم و آغاز حالت تعرض و یورش پیشمرگان است. البته، این بدان معنا نیست که دیگر رژیم هیچ قدرتی ندارد. لیکن معنای چنین وضعی این است که رژیم روز به روز ضعیف تر می‌شود و امکان آن وجود دارد از این به بعد پیشمرگان ضربات کوبنده تر و بهتری را بر پیکر دشمن وارد سازند.

اخبار رسیده

✽ معامله با انگلستان
اخیرا یک هیئت ایرانی متشکل از نمایندگان وزارت دفاع، سپاه و صنایع سنگین بعد از مذاکرات محرمانه با دارالخانات لندن در انگلستان و بعد از آنکه نظر مقامات امپریالیستی را منی برد ریافت لندن رورهای

و با آن همکاری کنند؟

دکتر قاسطو: بدون تردید، رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور نیز بعنوان یک رژیم ضد دمکراتیک، ضد انسانی و تروریست شناخته شده است. افکار عمومی در سطح جهان برضد جمهوری اسلامی و رژیم آخوند ها تحریک شده است و نه فقط هیچ سازمان دمکراتیک، آزادیخواه و مترقی‌ای، حتی هیچ شخصیت ترقیخواهی نیز از آن پشتیبانی نمی‌کند بلکه ضدیت خود با رژیم خمینی را آشکارا اعلام می‌نمایند.

آنچه به روابط دولتها مربوط می‌شود، در خاور میانه دو دولت: سوریه و لیبی، از رژیم خمینی حمایت می‌کنند. بدیهی است که پشتیبانی آنها از رژیم خمینی به خاطر آن نیست که آن را یک مقبول و محبوب تصور نمایند. بلکه روابط دوستی آنها با رژیم خمینی، بیشتر بدلیل خصوصی است که با دولت عراق دارند. آنها از آنجا که رژیم خمینی را دشمن حکومت عراق می‌دانند، از آن پشتیبانی می‌کنند. در مناطق دیگر جهان، بعضی از کشورهای کوچک که شعارهای افراطی خمینی را نشان دهنده سیاست این رژیم تصور می‌کنند، مانند شعار ضد آمریکایی، از او پشتیبانی می‌نمایند. بعضی دیگر نیز از همکاری با رژیم خمینی نظر به منافع اقتصادی خود دارند. مثلا نفت‌آرزان از رژیم خمینی می‌خرند و کالاهای خود را به آن می‌فروشند. لیکن در اروپا هیچ دولتی - هر چند روابط دوستی و همکاری نیز با رژیم خمینی داشته باشد - از ترس افکار عمومی، جرات نمی‌کند، در باره این روابط چیزی بگوید. بعضی از کشورهای اروپای غربی سیاست خود را بر اساس منافع اقتصادی کشور خود پی‌ریزی کرده‌اند. مانند آلمان غربی و انگلستان. این دو کشور روابط بازرگانی و اقتصادی گسترده‌ای با رژیم خمینی دارند. لیکن حتی مقامات این دولتها نیز از ترس افکار عمومی مردم کشور خود نمی‌توانند و جرات نمی‌کنند بطور آشکارا از رژیم خمینی دفاع نمایند.

سؤال: شما مصاحبه‌های مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی زیادی داشتید. در یکی از مصاحبه‌ها فرمودید: "می‌ترسم یک روز صبح که از خواب بیدار شدم، به من خبر بد هندی که پیشمرگان حزب به طرف تهران پیشروی کرده‌اند". آیا این مطلب صرفا بمنظور تشویق عملیات پیشمرگان در سال جاری و از روی خوشبینی بوده یا دلایل دیگری نیز داشته است؟

دکتر قاسطو: همانطور که می‌دانید، من عادت ندارم برای سرنگونی رژیم یا رویدادهایی از این قبیل، تعیین وقت بکنم یا تاریخی را معین نمایم. این گفته که در سؤال شما آمده، گفته من نیست برعکس، من در مصاحبه با خبرنگار روزنامه تایمز لندن، گفتم که در حال حاضر معتقد نیستم یک روز از خواب بیدار شوم و با خبر بد هندی که پیشمرگان حزب به تهران رسیده‌اند.

اثر رفقای عزیز بیدار داشته باشند، هنگامی که در سال ۱۳۵۸، بتازگی مبارزه مسلحانه ما برضد رژیم خمینی شروع شده بود، وقتی از من سؤال می‌کردند تا چه وقت در کوهها بسر خواهیم برد

نگاهی به روند نوگرایی و اصلاحات در اتحاد شوروی

روند نوگرایی و اصلاحاتی که از مدت‌ها پیش در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی آغاز گشته است، هر روز جلوه‌های تازه‌ای از گسترش و ژرف‌تر شدن خود را به نمایش می‌گذارد.

طی هفته گذشته، وقایعی در اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین رخ داد، که بررسی آنها حائز اهمیت جدی است. در اتحاد شوروی در چارچوب نوگرایی در حیات حزب کمونیست و مبارزه علیه بوروکراسیسم و رشوه خواری، "دین محمد کونایف"، دبیر اول حزب کمونیست جمهوری قزاقستان شوروی، از سمت خود برکنار شده و بجای او "گنادی کولبین" عضو کنونی هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و از طرف - داران جدی اصلاحات در این کشور، به این مسئولیت برگمارده شد. بدنبال این واقعه، خیابانهای آلتا آتا مرکز جمهوری قزاقستان، شاهد تظاهرات و درگیری‌هایی بود، که به گزارش تاس، خبرگزاری رسمی شوروی، "از طرف دانشجویانی که توسط عناصر ناسیونالیست تحریک شده بودند"، انجام گرفت. از کم و کیف و انگیزه‌های ناآرامی‌های اخیر در آلتا آتا اطلاع دقیقی در دست نیست، اما نکته قابل توجه در این رابطه، سیاست تازه وسایل ارتباط جمعی اتحاد شوروی است، که اخبار ایمن رویداد را به همه جهان مخابره کردند.

از دیگر رویداد های مهم روزهای گذشته، پایان دادن به تبعید "آندره ساخارف" فیزیکدان دکراندیش شوروی بود، که سالها قبل بخاطر انتقاد از دولت شوروی و به جرم "مفکری بیسارترین محافل جنگ افروز امپریالیسم و همکاری با صهیونیسم"، از مسکو به شهر گورکی تبعید شده و ارتباطی با جهان خارج نداشت. اجازه بازگشت به مسکو، از طرف شخص میخائیل گورباچف و ضمن یک تماس تلفنی به ساخارف ابلاغ گشت. گورباچف طی این تماس تلفنی از جمله به ساخارف خاطرنشان ساخت، که او آزاد است، تا به مسکو بازگشته و خود را وقف فعالیت‌های میهن دوستانه کند. یک روز پس از آزادی ساخارف، استودیو تلویزیون دولتی مسکو امکان پرسش و پاسخ مستقیم او را با تلویزیونهای آمریکا فراهم ساخت. بطور همزمان، آکادمی علوم اتحاد شوروی، از آندره ساخارف دعوت نمود، که کار خویش را در این آکادمی، در رابطه با پژوهش پیرامون اجزاء بنیادین اتم، از سرگیرد. هتارن همین اوضاع، روزنامه پراودا ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، برای اولین بار طی مقاله‌ای بنسبت هشتادمین سالگرد تولد پرژف، بطور رسمی از دوران وی انتقاد بعمل آورد. پراودا نوشت: "در سالهای آخر دوران رهبری پرژف، پدیده‌های منفی زیادی در زمینه‌های اجتماعی و معنوی - اخلاقی بروز کرده بود. خود ارضا کردن، بی‌بند واری و توسل به شیوه‌های رنگ و روغن زدن ظاهری به معضلات

از یکسو، و فقدان یک د مکرسی پیگیر و بی‌اطلاع گذاشتن افکار عمومی، عدم کنترل موثر و انجام نپذیرفتن انتقاد و انتقاد از خود واقعی از سوی دیگر، اجازه کشف بموقع و مبارزه با این پدیده‌های منفی را سلب کرده بودند. این پدیده‌ها، حرکت جامعه را به جلو، ترمز کرده و رشد اقتصادی را کند نموده بودند."

همچنین در شانگهای، یکی از بزرگترین شهرهای جمهوری خلق چین، هفته گذشته تظاهرات وسیعی از طرف دانشجویان این شهر برگزار شد. دانشجویان شانگهای در این تظاهرات، خواسته‌های خود را برای گسترش د مکرسی در چین و تأمین آزادی مطبوعات، بیان و اندیشه، صریحا مطرح کردند. جالب توجه در این بین واکنش رهبری حزب کمونیست چین در قبال این تظاهرات بود. رهبران چین، که از مدت‌ها پیش، اصلاحات عمیق و همه جانبه را در این کشور آغاز کرده‌اند، انعطاف زیادی در مقابل تظاهرات اخیر از خود نشان دادند. شهردار شانگهای حتی در سخنرانی خود در جمع دانشجویان، یادآور شد که "خواست د مکرسی از طرف دانشجویان، قابل درک و احترام است، بشرطی که این امر به ثبات و وحدت کشور لطمه‌ای وارد نسازد." روزنامه‌ها و تلویزیون چین از این تظاهرات گزارشی تهیه کرده و در اختیار افکار عمومی کشور قرار دادند. این امر در محافل غرب با شگفتی تلقی شد.

رویداد های یاد شده در اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین نشان می‌دهند، که روند نوگرایی و اصلاحات آغاز شده در این کشورها، هر روز ابعاد گسترده تری بخود گرفته و عرصه‌های تازه تری از حیات اجتماعی را فتح می‌کند.

دامنه این اصلاحات، که تمامی عرصه‌های این جوامع، از اقتصاد و مدیریت گرفته، تا فرهنگ و تئوریهایی مربوط به ساختمان سوسیالیسم را در بر می‌گیرد؛ و هدف ایجاد تحولات عمیق در زیر بنا و ربنای جامعه را در مقابل خود قرار داده است، بعضا با تحریفات آشکار و نهان فئودال اندیشه پردازان بورژوازی، مبنی بر اینکه این کشورها در حال هموار کردن راه خود بسوی احیای مناسبات سرمایه داری هستند، روبروست. روی دیگر سکه این تحریفات بورژوازی، سکوت آگاهانه آن نیروهای خشک مغز و از نظر فکری منجمد مدعی مارکسیسم و هوادار اراد و گناه سوسیالیسم نسبت به این اصلاحات است، که به ژرف‌ترین و آگاهانه باطل کننده توجیهات و سحر و افسونهای دیروز و امروز خود نگریسته و خود در واقع از نظر تاریخی به آن نیروهای کهنه و میرنده‌ای تعلق دارند، که امروز در کشورهای سوسیالیستی، به مانعی در مقابل ادامه این روند های نوگرایانه و سالم سازی حیات جامعه، تبدیل شده‌اند.

به عقیده ما، کوشش برای درک، تحلیل و

توضیح این اصلاحات، یکی از وظایف کمونیست‌ها در کشورهای سرمایه داری و رشد یافته است. چرا که موفقیت این اصلاحات برای غلبه بر عوارض منفی پدید آمده ناشی از د ر جازدها و ایستایی اقتصادی - اجتماعی و میدان خون تازه در رگهای سوسیالیسم واقعا موجود، تأثیرات مشخص خود را نیز بر روی مبارزه طبقاتی کمونیست‌های دیگر کشورها می‌گذارد.

بر خلاف دعاوی "متخصصین کشورهای سوسیالیستی" در غرب، این اصلاحات سرشت و خصلت سیستم اجتماعی کشورهای سوسیالیستی را دگرگون نمی‌سازد. نباید فراموش کرد، که این اقدامات توسط کمونیست‌های این کشورها و بدست آنها انجام می‌گیرد. این اقدامات، اولین گامهای جدی برای وارد شدن در یک روند مداوم نوگرایی اقتصادی و د مکرانیزه کردن تمام نهاد های سیاسی و مدیریت است.

ما برای آگاهی بیشتر خوانندگان "پژواک" نسبت به ماهیت و ابعاد اصلاحات جاری در کشورهای سوسیالیستی، طی این مقاله، نگاهی به چنین روندی در اتحاد شوروی می‌افکنیم:

مضمون اصلاحات زیربنایی

کوششهای اصلاحی امروزین در اتحاد شوروی، دارای این ویژگی است، که این کوششها از ابتدا با محتوایی صریح و روشن و امکان ندادن به تفسیرها و برداشتهای گوناگون، فرمولبندی شدند. سنگ پایه اینکار را رفیق میخائیل گورباچف، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در بیست و هفتمین کنگره حزب در مسکو، گذاشت. او بی - پرده از "نارسایی‌ها و کمبودهای سیاسی و عملی، اشکال ایستای بازدهی و روند های منفی و پدیده‌های قهقرازی، در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در اتحاد شوروی یاد کرد. او صریحا خواست، که به روند تکامل اجتماعی - اقتصادی شتاب بخشیده شود و مکانیسم اقتصادی و سیستم مدیریت، توسط اصلاحات رادیکال متحول گردد. در واقع رهبری جدید اتحاد شوروی، ضرورت انجام اصلاحات را، که نتیجه ایستایی و پژمردگی اقتصاد و جامعه، در عرصه‌های زیادی بود، با همه وجود احساس می‌کرد.

اقدامات اصلاحی رادیکالی که اکنون متوجه زیربنای جامعه است، نیاز به بررسی همه جانبه دارد، که در این مختصر نمی‌گنجد. ما در آینده در این رابطه به تفصیل سخن خواهیم گفت. در اینجا بطور عده به تغییرات و اصلاحات ربنایی می‌پردازیم.

تغییرات در رومنا

یکی از مهمترین اهدافی که در این زمینه دنبال می‌شود، مبارزه علیه بیگانگی زحمتکشان نسبت به محیط کار و جامعه است، که متأسفانه در کشورهای سوسیالیستی نیز وجود دارد. رفیق گوریاچف در کنگره بیست و هفتم صریحاً خواست اقداماتی انجام گیرد، تا کارگران و زحمتکشان در شهر و روستا، خود را صاحبان اصلی کشور احساس کنند. او به این منظور پیشنهاداتی کرد، که اهم آن را می‌توان در نکات زیر خلاصه نمود:

- جامعه د مکرانیزه شده و خودگردانی سوسیالیستی تعمیق یابد. به این منظور باید شوراهای اتحادیه‌ها و سازمانهای توده‌ای از حال رخوت بیرون آمده و فعال‌تر شده و در همه امور مشارکت داشته باشند.
- د مکرانی درون حزبی گسترش یافته و در حیات حزب کمونیست نوگرایی بعمل آید.
- کنترل هرچه بیشتر زحمتکشان، بر کار دستگاه دولتی تأمین شود.
- د مکرانی واقعی در کلخوزها و سایر تعاونی‌ها بوجود آید.
- آزادی بیشتر در رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی تأمین و از سانسور شدید اجلگیری شود.

- از حقوق و آزادیهای اجتماعی-سیاسی و فردی حفاظت شود و هیچکس بدلیل دگراندیشی و انتقاد، مورد اذیت و آزار ارگانها قرار نگیرد. اگر بخواهیم سیاهه مجموعه وظایف پیشنهادی را ذکر کنیم، لیست بلندی خواهد شد. رهبری جدید اتحاد شوروی به درستی دریافت است، که سیاست و اقتصاد بطور جدایی‌ناپذیری به هم پیوسته‌اند و بدون د مکرانیزه و لیبرالیزه کردن سیاست، امکان تحقق بخشیدن به اصلاحات اقتصادی نیز دشوار و ناممکن خواهد بود. برای غلبه بر بختک بوروکراتیسم، تنها خواست رهبری کافی نیست، این خواست باید با حمایت وسیع توده‌های خلق تلفیق شده، تا به آنچنان نیروی مادی بدل شود، که بتواند موانع غول آسا را از پیشپا بردارد. گسترش همه جانبه د مکرانی در جامعه شرط اصلی و لازم چنین روندیست. فساد و رشوه خواری و سوء استفاده از موقعیت‌های حزبی و دولتی، از دیگر پدیده‌های منفی و دردآور جامعه شوروی طی دو دهه اخیر بوده است. اکنون اقدامات عاجلی از طرف رهبری جدید حزب کمونیست، جهت مبارزه با این پدیده‌ها صورت می‌گیرد. در همین رابطه از کادرها و مسئولین حزبی انضباط اکید خواسته شده است. در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم، بر صفحات تلویزیونها، فیلمهای نکند هندهای از ارتش و دزدی مسئولین حتی بالای حزبی نشان داده می‌شود. امروزه همه مردم به عیان می‌بینند، که قانون شامل حال همه افراد جامعه می‌شود. فساد اداری و بوروکراتیسم و ارتشا و رشوه خواری، در جمهوری‌های عقب مانده تر، گسترده تر است.

رهبری جدید اتحاد شوروی نسبت به تجربه‌های دوران خروشچف، آگاهی کامل دارد و می‌داند که کورس اصلاحی آن زمان توسط بوروکراتیسم حاکم بر آپارات حزب و همه نهاد های دولتی، که میراث تلخ دوران استالین بود، ابتدا ترمز و در پایان بطور کامل متوقف شد. رفیق "یالتسین" عضو کمیته مرکزی حزب در بیست و هفتمین کنگره، به تفصیل راجع به بوروکراتیسم، "مناز شدن" بخش قابل توجهی از کادرها و مسئولین حزبی و سوء استفاده از موقعیتهای حزبی و دولتی، سخن راند و مبارزه قاطع علیه این عوارض منفی را خواستار شد. بی دلیل نیست، که در جریان کنگره و پس از آن، بخش‌بزرگی از کادرهای قدیمی به "پستهای افتخاری" منصوب، بازنشسته و یا تصفیه شدند.

اصلاحات، علاوه بر رومانی سیاسی، فرهنگ جامعه و سیاست فرهنگی را نیز در بر گرفته است. اقدامات عاجلی پیرامون رها شدن مطبوعات و رادیو-تلویزیون از زنجیر سانسور و فاصله گرفتن از "انتقادهای" فرمایشی و صوری ملال آور همیشگی، در حال انجام است. در کنگره نویسندگان و فیلم سازان اتحاد شوروی، که در سال جاری برگزار شد، آزادانه درباره همه مسائل و از جمله سانسور و دگماتیزه کردن برخورد به پدیده‌ها، بحث و تبادل نظر شد. در انتخابات مجدد این کنگره، هیچکدام از مسئولین سابق درباره انتخاب نشدن و "واسیلی ساخاروف"، که از طرفداران اصلاحات است، در ماه اوت سال ۱۹۸۶، به سمت وزارت فرهنگ منصوب شد. امروزه کتابهای زیادی که در گذشته جزو "کتاب مضر" شمرده می‌شدند، اجازه طبع دریافت می‌کنند. از هنرمندان و نویسندگانی که در گذشته بخاطر تفکر انتقادی نسبت به نارسایی‌ها مغضوب و قلع شده بودند، اعاده حیثیت می‌شود. فیلمهای انتقادی، که در آرشیو سانسور خاک می‌خوردند، به نمایش گذاشته می‌شوند و درباره محتوای آنها در مطبوعات و نشریات هنری، بحثهای پرشوری انجام می‌گیرد. بعضی از این فیلمها به دریافت جوایزی نائل می‌شوند. جالب‌ترین واقعه در این زمینه اینست که دولت شوروی اخیراً از هنرمندان و نویسندگان دگراندیش، که در گذشته یا بدلیل نارضایتی از سیستم شوروی مهاجرت نموده و یا توسط دولت به خارج تبعید شده بودند، دعوت به بازگشت به میهن نموده است. به این ترتیب وسایل ارتباط جمعی امروزه زنده و پرتحرک شده و نارسایی‌ها و انتقادات مردم را غالباً منعکس می‌نمایند. بازتنبات عضلات و کمبودها در رسانه‌های گروهی حقیقی‌تر از گذشته صورت می‌پذیرد. دیالوگ بین رهبری کنندگان و رهبری شوندگان، بدون مانعی در جریان است.

تحرک در سیاست خارجی

رهبری جدید اتحاد شوروی، سیاست خار-

جی این کشور را بسیار زنده تر و پرتحرک تر از گذشته نموده است. این تحرک بویژه در زمینه مناسبات با ایالات متحده آمریکا، بیشتر به چشم می‌خورد. پیشنهادات اتحاد شوروی در رابطه با تحدید مسابقه تسلیحاتی و از بین بردن خطر یک فاجعه هسته‌ای، همگی حاکی از نیت صلح دستانه، برخورد مسئولانه و موضع پر انعطاف این کشور، برای امر صلح جهانی است. دلیل این کوششها آنطور که ادعا می‌شود، تنها تخفیف مسابقه تسلیحاتی بمنظور رونق دادن به اموراتصادی در این کشور نیست، بلکه از آنجا ناشی می‌شود، که اتحاد شوروی با بالاترین رقم تلفات جانی و مالی در جنگ جهانی دوم، پیشرو بهتر از هر کشوری اهمیت حفظ صلح جهانی را درک می‌کند.

مذاکرات ریگیاویک به روشن ترین شکلی، سیاست صلحجوانه و پر انعطاف خارجی اتحاد شوروی را در معرض قضاوت جهانیان قرار داد.

بموازات این ساله، اتحاد شوروی کوشش قابل تقدیری برای بهبود روابط خود با قدرت بزرگ سوسیالیستی دیگر یعنی جمهوری خلق چین، انجام می‌دهد. اتحاد شوروی برای جلب رضایت چین، جهت ادامه بی وقفه مذاکرات دوجانبه و بهبود مناسبات، حاضر به کاهش دادن نیروهای نظامی خود، که در جمهوری توده‌های مغولستان در مرز چین مستقرند، شده است. اتحاد شوروی همچنین آمادگی خویش را برای خارج کردن نیروهای نظامی خود از افغانستان اعلام نموده است. خروج واحدهایی از این نیروها، مدتی است که آغاز شده است. با کورس جدید اصلاحی رهبران جمهوری خلق چین، که بازتاب روشنی هم در سیاست خارجی این کشور یافته است، چشم انداز بهبود مناسبات و قدرت سوسیالیستی، امیدبخش است.

در رابطه با مناسبات اتحاد شوروی با سایر کشورهای سوسیالیستی و بویژه کشورهای عضو پیمان ورشو نیز پدیده‌های نوینی به چشم می‌خورد. این مناسبات بیش از پیش بر اساس برابری حقوق و احترام متقابل به انتخاب راه و روش مورد سلیقه برای ساختمان سوسیالیسم، استوار می‌شود.

خود رفیق گوریاچف، چندگونی جنبش جهانی کمونیستی و اختلاف نظر میان احزاب کمونیست امری بسیار طبیعی می‌داند و هر مونی طلبی یک حزب در مقابل حزب یا احزاب دیگر را نفی می‌کند. از طرف او بر عکس، برابری حقوق احزاب و احترام متقابل و استقلال عمل و اندیشه و آموختن از تجربیات یکدیگر برجسته می‌شود. بد نیست در اینجا عین جملات او را از گزارش به کنگره بیست و هفتم نقل کنیم: "حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آن نیست، که احزاب کمونیست باید همواره یکسان بیاندیشند و در تحلیل مسائل، هم نظر باشند. به نظر ما تنوع اندیشه ها بمعنی تفرقه جنبش نیست. از سوی دیگر، وحدت نیز ارتباطی به همشکلی، دنباله روی،

نگاهی به روند نوگرایی و ...

مداخله در امور یکدیگر و ادعای یک حزب مبنی بر دانستن انحصاری حقیقت ندارد. در زمینه مناسبات سیاسی و بازرگانی اتحاد شوروی، با کشورهای سرمایه داری نیز تحرك تازه‌ای به چشم می‌خورد.

نوگرایی در حیات حزب کمونیست

طبق برنامه‌های اصلاحی جدید، در ردیون حزب کمونیست اتحاد شوروی دست به نوگرایی زده شده است. اعضای این حزب دیگر از طرف دولت دارای هیچ حقوق ویژه‌ای نخواهند بود؛ دیگر نسبت به هیچ عضو و کادر حزب، اعتماد چشم بسته وجود ندارد. هر کمونیستی بایست برای جلب اعتماد رهبری، مبارزه و کار کند. فقط به این ترتیب است، که حزب دوباره می‌تواند به موتور و موتور بزرگ جامعه بدل شود. در صفوف حزب به تکامل خلاق تئوریهای مارکسیستی دامن زده می‌شود. به این ترتیب با فاصله گرفتن از احکام جامد و آیه وار و نقل قولهای تجریدی از کلاسیکها، مارکسیسم دوباره از حالت یک سیستم بسته خارج شده و به ابزار معنوی برای بررسی علمی و شیوه تفکر مستقل و انتقادی نسبت به پدیده‌های اجتماعی، بدل می‌شود. دوران انجماد فکری، خشک مغزی پر تعصب و شیوه تفکر سترون و غیر انتقادی گذشته است.

موانع و مخالفین روند نوگرایی و اصلاحات

بزرگترین مانع خارجی برای تداوم بخشیدن به اصلاحات رادیکال در اتحاد شوروی، دولت کنونی ایالات متحده آمریکا است. کابینه ریگان بمثابة نماینده هارترین جناح امپریالیسم آمریکا و منعکس کننده تمایلات جهانخواهانه مجتمعات نظامی-صنعتی این کشور، با دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و کشیدن اتحاد شوروی به میدان استمرار چنین مسابقه‌ای و تکامل آن به دوژهای عالی‌تر و پیچیده‌تر، که سهم عظیمی از بودجه اتحاد شوروی را که در اصل می‌بایست صرف سازندگی و آبادانی و افزایش سطح زندگی مردم شود، می‌بلعد، نه تنها روند اصلاحات سازنده را ترمز کرده، بلکه جهان را به لبه پرتگاه یک فاجعه هسته‌ای سوق می‌دهد. و اما مشکلات عینی داخلی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- کمبود تجربه در زمینه مدیریت مستقل از مرکز و برنامه ریزیهای جدید.

- طول کشیدن این موضوع که یک آزمایش جدید کارایی خود را در عمل چه وقت نشان دهد.

- دشواری ناشی از یافتن تعادل و تناسب لازم بین اقتصاد برنامه ریزی شده و آزاد.

- برقراری همین تناسب در عرصه تولید و عرضه از یکطرف و ایجاد قدرت خرید و تقاضا از طرف دیگر.

- تاثیرات جنبی منفی ناخواسته حاصل از گشایش اقتصاد و اصلاحات، مانند فساد اداری و ارتداد توسط شرکتیهای خارجی.

طبعاً در کنار عوامل عینی یاد شده، باید از دو عامل ترمز کننده و کند کننده دیگر نیز یاد کرد:

- مقاومت سرسختانه آن بخش از کادرها و مسئولین بوروکرات و فاسد حزبی، که در تحقق این فرمها، نابودی منافع و امتیازات خود را می‌بینند. رفیق "والنتین فالین" سیاستمدار برجسته اتحاد شوروی و رئیس بنگاه خبری راکتی "نووستی"، درست در اشاره به این افراد است که می‌گوید: "انتقاداتی که در کشور ما علیه نوگرایی می‌شود، از طرف کسانی است، که در گذشته وضع خوبی داشتند و برای آنها ناساعد بودن وضع، به منبع سود هنگفتی بدل شده بود. ولی ما به این معضل پایان خواهیم داد. گورباچف درک کرده است، که تحول فکری، دشوارترین مساله است و برای آن به زمان احتیاج است. از امروز به فردا نمی‌توان چنین تحولی بوجود آورد. چرخهای رنگ زده را به سختی می‌توان دوباره به گردش درآورد."

در کنار گروه فوق، بخش قابل توجهی از نیروهای حزبی نیز دچار آنچنان انجماد فکری و تعصب خشک مغزانه‌ای هستند، که در چهره هر تغییری، خطر انحراف ایدئولوژیک و متوقف شدن "انقلاب" را می‌بینند. این گروه که اعتقاد می‌دارد که قدرت لایزال توده‌ها ندارد، به گفته رفیق گورباچف: "از کوچکترین تغییری در مکانیسم اقتصاد، انحراف و خدشه دار شدن اصول سوسیالیسم را می‌فهمد." برای مبارزه با گروه اول، قوانین سختی وضع شده و تصفیه‌های دانه داری از صفوف حزب انجام می‌گیرد. با اینحال خصلت این اقدامات نیز انسانی است و بهیچ روی نمی‌توان آنها را با تصفیه‌های خونین دوران استالین یکی دانست. لازم است که گفته رفیق "فالین" را در این زمینه هم یادآور شویم: "یک چیز مسلم است. یک تفاوت اساسی نسبت به ایوان مخوف، پطراول و استالین وجود دارد. اینبار سرها بر زمین نخواهند غلطید." و اما در مورد گروه دوم مخالفین، بد رستی سیاست صبر و بحث اقلیتی در پیش گرفته شده است، تا آنها را به ضرورت انجام اصلاحات متقاعد نموده و حمایتشان را جلب کنند. در کنار دو گروه یاد شده، هستند نیروهایی که پس از شکست کورس اصلاحات خروشچف، به روند کنونی با دیده تردید می‌نگرند. اما در صورت غلبه هواداران اصلاحات بر نیروهای بازدارنده، که متأسفانه حتی در عالی‌ترین ارگانهای حزبی نیز لانه کرده‌اند، می‌توان امیدوار بود، که گروه ناباوران، از حالت انفعال کنونی بیرون آمده و اصلاحات را مورد پشتیبانی همه جانبه قرار دهند.

- فاکتور مهم دوم، بی‌اعتدالی و بدبینی توده‌های وسیع مردم به موفقیت آتی روند

اصلاحات است. چرا که آنها در گذشته نیز مواعید زیادی از رهبران و مسئولین شنیده‌اند، که در عمل تحقق نیافته است. امروز توده‌های مردم را با زیباترین وعده‌ها و آتشین ترسین سخنرانی‌ها نمی‌توان متقاعد و راضی ساخت. اصلاحات باید در عمل به نتایج ملموس و همه جانبه برسد، تا بتواند پشتیبانی گسترده توده‌های میلیونی زحمتکشان را جلب کند. برای اینکار، علاوه بر انجام اقداماتی که به نیازهای عمومی مردم پاسخ مناسب می‌دهد، با گسترش دموکراسی سوسیالیستی و اطمینان خاطر به آنها برای انتقادی محابا علیه خطاها، کمبودها و نارسایی‌ها، می‌توان به این مهم نایل شد. رهبری جدید اتحاد شوروی علاوه بر این، ابتکار دیالوگ مستقیم و صادقانه‌ای را با مردم به عهده گرفته است.

به این ترتیب، سیمای سوسیالیسم واقعی موجود در اتحاد شوروی در حال دگرگونی است. کشورهای سوسیالیستی، که دارای دستاوردهای تاریخی انکارناپذیری هستند، با کمک این روند نوگرایی، راه تکامل و شکوفایی همه جانبه خویش را هموار می‌کنند. در صورت غلبه کامل نیروهای بالنده رهبری در این کشورها بر نیروهای بازدارنده، و تضمین برگشتناپذیری روند آغاز شده، می‌توان انتظار داشت، که این کشورها در برآمد قرن جدید، چهره‌ای رنگارنگ و مدلهایی چندگونه به نمایش بگذارند، که در آنها بهبود کیفی وضع زندگی مردم، دموکراسی گسترده سوسیالیستی، شکوفایی علم و فرهنگ و هنر و خلافت و پویا تر شدن تحلیلهای مارکسیستی از مسائل اجتماعی، بطور برجسته خود نمای خواهد کرد.

کمونیستهای کشورهای دیگر از روند نوگرایی و اصلاحات آغاز شده در کشورهای سوسیالیستی استقبال می‌کنند و خواهان موفقیت چنین روندی هستند؛ چرا که این روند به تحکیم پایه‌های سوسیالیسم در جهان و جذابیت بیشتر آن در میان خلقهای سایر کشورها، کمک شایانی خواهد کرد.

برگزاری کنفرانس در ایتالیا
"اطلاعه"

کنفرانس کشوری اعضای دمکرات حزب توده ایران، در ایتالیا به تاریخ ۲۳/۹/۶۵ برگزار شد و در همین روز با موفقیت به کار خود پایان داد. کنفرانس پس از بحث و تبادل نظر پیرامون کلیه پیشنهادات کمیته تدارک و سایر نمایندگان گزارش و قطعنامه، آنرا به تصویب رسانید.

قطعنامه، مزبور جهت اطلاع عموم به زودی منتشر خواهد گردید.

کنفرانس سپس با انتخاب کمیته اجرایی جدید کشور، به کار خود پایان داد.

کمیته اجرایی کشوری اعضای دمکرات سازمان حزب توده ایران در ایتالیا ۱۴/۱۲/۸۶

درباره سرشماری عمومی کشور

باران وسیل در کشور و بی‌مبالاتی مسئولین

- * ۳ روستاهای شهر بابک تخریب شد.
- * چند روستای بوشهر در سیل اخیر بگسی ویران شد.
- * طغیان رودخانه‌های بندر عباس مناطق روستائی را فراگرفت.
- * ۲ روستای هرات یزد بر اثر سیل نابود شدند.
- * مسافران ۲ اتوبوس در یک منطقه فارس در سیل محاصره و ۹ مسافر کشته شدند.
- * سیل جان ۱۰ نفر را در فارس، هرمزگان و یزد گرفت.
- * ۱۵۰ پل در سیل بهیبهان ویران شد.
- * ۵۷ تن در سیل فارس، بوشهر و کهکیلویه کشته شدند.

اخبار فوق فقط گوشه کوچکی از اخبار مربوط به خرابیها و تلفات ناشی از بارش برف و باران سنگین و جاری شدن سیل در مناطق وسیعی از کشورمان است. روزنامه‌های مجاز کشور طی هفته‌های گذشته روزانه خبر از ویرانیها، تلفات جانی، ویران شدن مزارع و روستاها و تلف شدن دامها دادند. این اخبار همچنین حاکی از آنند که صدها روستای دیگر در معرض خطر جاری شدن سیل و خرابیهای مشابهند. روزنامه‌ها تنها پس از فرونشستن سیلی که زندگی هزاران انسان را مورد تهدید قرار داده، هزاران هکتار از مزارع آنان را ویران کرده و دایره اندرشان را ازین برده است، خبر از کمک‌رسانی‌های ویژه دولت به مناطق سیل‌زده و اسکان اهالی بی‌خانمان آنها دادند.

ابعاد خرابیها بطور روشنی حاکی از آنست که مسئولین دولتی به طور کلی نه فقط پیش‌بینی چنین حادثه قابل پیش‌بینی را نکرده و پیش از شروع بارندگی‌ها و یا عزم‌زمان با آن اقداماتی در جهت جلوگیری و تحدید ضایعات ننموده‌اند بلکه حتی پس از جاری شدن سیل و آغاز خرابیها بی‌اینچنین وسیع نیز تدارکاتی برای نقل و انتقال اهالی مناطق سیل‌زده و مقابله با خرابیهای بیشتر انجام داده‌اند. انتظار کمک از مسئولین جلوتی که خود کشوری را به تباهی کشانند و ملتی را به غزا نشانده‌اند در چنین مواردی نیز انتظاری بیهوده است؛ حکومتی که همه امکانات مالی و فنی کشور را به خدمت ادامه جنگی بی معنا درآورده و در مصیبت‌هایی این چنین ملت ستدیده را به صبر و استقامت و امید بستن به امدادهای آسمانی فرا می‌خواند.

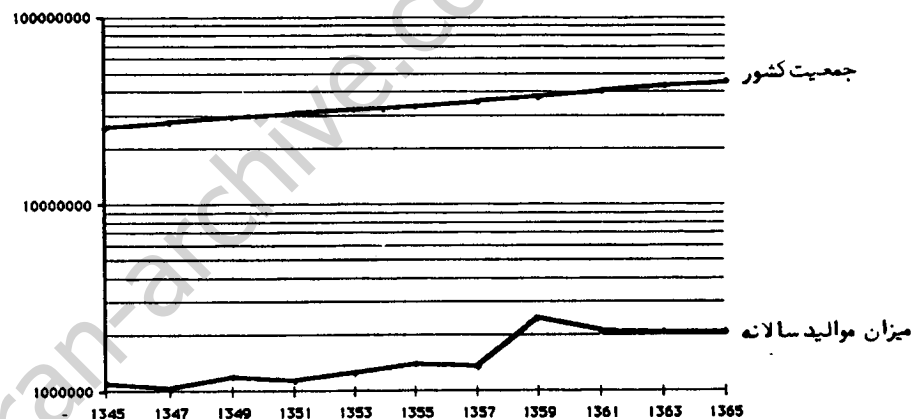
سالهای پیش از ۱۳۵۵ مورد بررسی همه‌جانبه قرار داد. ما همزمان با اعلام تدبیری نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ کوشش می‌کنیم خوانندگان خود را در جریان برخی از این تغییرات قرار دهیم.

جهان بشمار می‌رود. برخورداری از جمعیت جوان، بمعنای نیاز فزاینده به امکانات اجتماعی و اقتصادی، بویژه در عرصه آموزش، بهداشت، تولید مواد مصرفی و سرمایه‌گذاری کلان در عرصه تولید، برای جذب سیل نیروی انسانی جوانی است، که هر سال به بازار کار وارد می‌شود. جمعیت جوان، از سوی دیگر، بار تکفل خانواده‌ها و به عبارت دیگر فشار بر نیروی فعال جامعه را نیز افزایش می‌دهد. در سال ۱۳۵۵ هر نفر شاغل در جامعه ایران، می‌بایست بطور متوسط هزینه زندگی ۴ نفر را تأمین کند. این رقم در سال ۱۳۶۵ از مرز ۵/۷ نفر عبور کرده است.

با توجه به چنین مسائلی است، که افزایش بی‌رویه جمعیت، در کنار محدودیت در تأمین

چهارمین سرشماری عمومی کشور مطابق معمول سه دهه گذشته (۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ - ۱۳۳۵)، ماه پیش‌به‌پایان رسید و اولین نتایج کلی آن، از سوی مسئولین مرکز آمار ایران، منتشر شد. داده‌های اولیه سرشماری ۱۳۶۵ نشان می‌دهد، که جمعیت ایران با احتساب ۲/۵ میلیون مهاجر افغانی، به حدود ۴۸/۲ میلیون نفر رسیده است، که نسبت به سال ۱۳۵۵ بیش از ۱۴/۵ میلیون نفر افزایش نشان می‌دهد. بر پایه این افزایش، نرخ متوسط سالانه رشد جمعیت در ایران به ۳/۶ درصد برای ده سال گذشته بالغ می‌شود (نرخ متوسط جهان ۱/۷ درصد است).

رشد جمعیت کشور در ده سال گذشته از میزان پیش‌بینی‌های انجام شده بر پایه روند



اجتماعی ساکنان جامعه و سرمایه‌گذاریهای نون، جامعه را بیش از گذشته در بحران فقر و مشکلات فزاینده اجتماعی غرق می‌کند. مشکلی که در عمل جامعه ما از سالها پیش بدان دچار گشته، اوضاع جدید بر دامنه آن خواهد افزود. سیاست رژیم جمهوری اسلامی از ابتدا بر پایه حمایت از افزایش سریع جمعیت استوار بوده است. موسوی نخست‌وزیر، هنگام اعلام نتایج سرشماری اخیر، به روشنی از افزایش بی‌رویه جمعیت اظهار رضایت نمود! پیشتر از او، موسوی اردبیلی در نماز جمعه گفته بود، که جمهوری اسلامی با سیاست "۲ بچه کافیت"، مخالف است. برای رژیم جمهوری اسلامی افزایش جمعیت در عمل به معنای افزایش قدرت جمهوری اسلامی و بطریق اولی اسلام، بویژه در سطح منطقه و در مقایسه با سایر کشورهای همسایه است؛ سیاستی بخایت کوتاه‌فکرانه و ضد اجتماعی، که فقط می‌تواند از سوی کسانی دنبال شود، که هیچ مسئولیت جدی در برابر زندگی و آینده مردم و جوانان جامعه خود احساس نمی‌کنند.

با اعلام نتایج قطعی سرشماری می‌توان تغییرات حاصله در جامعه ایران را در عرصه‌های مختلف، بویژه در قشرین اجتماعی و تحولات در شیوه زندگی و کار مردم، در مقایسه با

عمومی رشد جمعیت در ایران فراتر رفته است، بطوریکه اگر جمعیت ایران بر پایه رشد تنظیم شده اوایل دهه پنجاه افزایش می‌یافت، در سال ۱۳۶۵ شمار ساکنان کشور نمی‌بایست از مرز ۴۳/۵ میلیون نفر عبور می‌کرد (متوسط رشد ۲/۶ درصد).

افزایش سریع جمعیت، طی سالهای پس از ۱۳۵۵، چنانچه از نمودار فوق نیز بر می‌آید بویژه با رشد ناگهانی میزان مولید سالانه مشخص می‌شود. در سال ۱۳۵۷ کل مولید ثبت شده به ۱/۳۵ میلیون نفر می‌رسید. این رقم در سال ۱۳۵۹ به ۲/۴۵ میلیون افزایش یافت. چنین رشدی تقریباً در همه سالهای پس از ۱۳۳۵ بی‌سابقه بوده است. البته روند افزایش مولید از سال ۱۳۶۲ سیر نزولی پیدا کرده، و داده‌های جدید تر نشان خواهند داد، که آیا این سیر نزولی ادامه خواهد یافت و یا اینکه مجدداً سیر صعودی تازه‌ای از سر گرفته خواهد شد.

افزایش این چنینی جمعیت، بر ساختار جمعیت ایران تأثیر فراوان می‌نهد. اولین نتایج این روند، افزایش جمعیت جوان (افراد کمتر از ۱۵ سال) است، که امروزه بیش از ۵۰ درصد جمعیت ایران را در بر می‌گیرد و یکی از بالاترین نسبت‌های جمعیت جوان در سطح

ویتنام: پیروزی اصلاح طلبان

که کنکره ششم حزب در پی مبارزات طولانی جهت جلوگیری غلبه بر بحران اقتصادی و سیاسی، برقرار گردید. تهرن شین دبیر اول حزب، ضمن انتقاد از خود، اعلام کرد که در گذشته اشتباهات اقتصادی و سیاسی بوقوع پیوسته است. او هم-چنین اعلام داشت که: "حزب در چهار سال اخیر به اهداف اقتصادی پیش بینی شده نرسیده و اشتباهات فاحشی صورت گرفته است."

بدنبال انتقاد رهبران حزب از سیاستهای گذشته خویش، سه نفر که در دولت و حزب، نقش کلیدی داشتند، استعفاي خود را در کنکره اعلام نمودند. این سه نفر عبارتند از:

- ۱- ترون شین، دبیر اول حزب.
- ۲- فام وان دون، نخست وزیر کشور.
- ۳- له دوک تو، از برجسته ترین نظریه پردازان سنتی حزب.

از دیگر دستاوردهای کنکره ششم، مساله "جوان شدن کادر رهبری حزب" بود، که به بحثهای شدیدی را در میان رهبران قدیمی و اصلاح طلبان برانگیخته بود. کنکره، منعکس کننده خواستهایی بود، که از مدت ها پیش بر سر مساله نوگرایی و دگرگونیهای بنیادین در حزب و جامعه، در میان اعضا و کادرهای حزب مقبولیت عامی پیدا کرده بود. بیهوده نیست که سخنان دبیر اول جدید حزب، مبنی بر "بازسازی حزب در شیوه تفکر، نوع کار و سازمان یابی آن" و همچنین "بازسازی کادرها" بسا استقبال شدید شرکت کنندگان کنکره ۱۱۲۹ نفری، روبرو گردید.

با دگرگونیهای یاد شده در حزب کمونیست ویتنام می توان امیدوار بود، که زمینه های مناسبی برای رفع مشکل کامپوچیا، که به تیرگی شدید مناسبات چین و ویتنام انجامید، آماده شده باشد. بی تردید، حل مساله کامپوچیا به بهبود مناسبات دیپلماتیک میان چین و ویتنام و عادی شدن اوضاع در منطقه، کمک شایانی خواهد کرد.

بنامبردگان در ترکیب جدید کمیته مرکزی نیز انتخاب شدند.

کنند. جنبش جوانان از همین واقعیتها و زمینه رنگ و نشان می گیرد و خود به یک واقعیت اجتماعی بزرگ دوران ما تبدیل شده است. جنبش جوانان با وجود گرایشهای اجتماعی مرفی و جنبه های انسانی عمیق آن به نیروهای مرفی و پیشرو جامعه یعنی کمونیستها و سایرین اعتماد لازم را ندارد و حتی به آنها با دیده منفی می نگرد. مطابق بررسی های انجام شده در جریان انتخابات برای پارلمان اروپائی فقط ۷ درصد دانشجویان و ۵ درصد دبیرستانی ها به حزب کمونیست رای دادند. نظرخواهی دیگری نشان می دهد بطور متوسط ۶ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله، ۹ درصد جوانان ۲۱ تا ۲۴ ساله به حزب کمونیست فرانسه رای می دهد.

جنبش جوانان موضوع اصلی نشست آخر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در ۱۷ و ۱۸ دسامبر بهیچ در صفحه ۵

موفقیت، با مخالفت رهبران آنهاست، مبنی بر "حرکت ریزینیستی" روبرو شده و متوقف شده بود. این اقدامات اصلاحی در راستای غیر متمرکز نمودن سیاست اقتصادی انجام پذیرفته بود.

در سال ۱۹۸۱، "مای شی تو" شهردار شهر هوشی مین و برادر له دوک تو، اندیشه - پرداز حزب، که در کنکره اخیر برکنار شد، دست به تشکیل شرکتهای تجاری و صادراتی مستقلی زد، که بدنبال خود بهبود آشکار وضع مردم را داشت. رهبران در هانوی، با اعلام اینکه وجود چنین شرکتهایی "آناشی" در اقتصاد است، از عملکرد آنان جلوگیری کردند. با این وجود، تنها شرکت صادراتی دولتی که در سال ۱۹۸۵ صد میلیون دلار سود آورده بود، شرکت صادراتی شهر هوشی مین بود، که مای شی تو آنرا بوجود آورده بود. مای شی تو اینک به عضویت هیئت سیاسی برگزیده شده است.

در سال ۱۹۸۲ در استان "لونگگه آن" اصلاحات اقتصادی مشابهی جهت غلبه بر رکود اقتصادی انجام گرفت، که در پی آن، جیره بندی مواد غذایی از میان رفت، تولید بیشتر از پاداش مادی برخوردار گردید و مدیران کارخانه در قیمت گذاری کالا، اختیارات وسیعی بدست آوردند. این اصلاحات نیز، به نتایج چشمگیر در بهبود وضع زندگی زحمتکشان انجامید. اما رهبران جزم اندیش حزب، بار دیگر به مخالفت شدید برخاسته و با اتهام "تجدید نظر طلبی" به اصلاح طلبان، آنان را به زندان تهدید نمودند. وان لین در همان هنگام با تاکید بر انجام اصلاحات اقتصادی و پشتیبانی از اصلاح طلبان گفته بود: "به کار خود ادامه دهید، اگر قرار است کسی زندانی شود، من هستم". بدنبال مخالفت رهبران حزب با اصلاحات اقتصادی، بحران در سال ۱۹۸۵ دامنه وسیعتری بخود گرفت. ارزش پول نزول کرده و قیمت ها بطور سرسام آوری افزایش یافتند. تورم به ۲۵۰ درصد رسید. در چنین اوضاعی است،

به محیط پیرامون اشاره داشت. مسائلی مانند محیط زیست، صلح، نژاد پرستی، گرسنگی و... عمیقادر مرکز توجه جوانان قرار دارند و جوانان نیروی محرکه اصلی جنبشهایی هستند که پیرامون این مسائل بوجود می آیند. با توجه به مجموعه این مسائل است که جوانان فرانسوی از وضعیت عمومی خود احساس نارضایتی می کنند و نیروی ذخیره خود را در طی دورانی در برخورد با واقعیتها و مشکلات به روی هم انباشته شده است. بهر صورت انفجاری و ناگهانی آزاد می نماید و دولتی با استحکام قانونی بسی چون و چرا را وادار به این عقب نشینی زبوانه می کند.

کمونیستها و جنبش جوانان

بدین ترتیب جوانان در جامعه ای ملو از تضادها مشکلات، موانع و سردرگمها همراه با امکانات معین حساسترین مرحله زندگی خود را طی می

ششمین کنکره حزب کمونیست ویتنام، روز ۱۸ دسامبر ۸۶، پس از چهار روز به پایان رسید. این کنکره در مقایسه با کنکره های پیشین از ویژگی خاصی برخوردار بود. رهبران حزب، که اکثر از همزمان هوشی مین بوده و سالها همراه وی علیه استعمار و امپریالیسم مبارزه کرده بودند، در رابطه با بحران اقتصادی و سیاسی که کشور به آن مبتلا گردیده است، دست به انتقاد از خود زدند و بر اساس مبارزه ای که از مدت ها پیش میان اصلاح طلبان و آنها در گرفته بود، از مقامهای خود کناره گیری کردند. ویژگی این انتقاد از خود در آن است، که برخلاف سنت غلط رایج، که معمولاً پراز مرث رهبران از آنان انتقاد می شود، در زمان حیات آنان و با پذیرش این انتقادات از سوی رهبران قبلی حزب، انجام گرفته است.

کنکره ششم حزب کمونیست ویتنام، در پی روند اصلاحی در احزاب کمونیست، دست به دگرگونیهای عمیقی در تمام زمینه ها زد، که در تاریخ ۵۶ ساله حزب، بی نظیر است. وان لین که بعنوان یک کمونیست نوکرا و اصلاح طلب در حزب از نفوذ فراوانی برخوردار گردیده بود از سوی کمیته مرکزی جدید به دبیر اولی حزب انتخاب گردید. هیئت سیاسی جدیدی نیز از سوی کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید. نزدیک به نیمی از اعضای ۱۳ نفره هیئت سیاسی، که از اعضای قدیمی حزب و بازدارنده اصلاحات بودند، از پستهای خود کناره داشته شدند.

وان لین، که از سال ۱۹۳۶ عضو حزب می باشد، در سال ۱۹۶۰ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید و از سال ۱۹۷۶ به عضویت هیئت سیاسی درآمد. وی که از رهبران برجسته جنگهای آزادیبخش در جنوب ویتنام بود، در کنکره پنجم حزب در سال ۱۹۸۲ به عضویت هیئت سیاسی برگزیده نشد، چرا که در حوزه مسئولیت خود بعنوان رهبر کمیته حزبی شهر هوشی مین (سایگون سابق)، دست به اصلاحات اقتصادی زیادی زده بود، که علیرغم

جنبش جوانان و ...

داده است. اما برخلاف گذشته دیلم دانشگاهی پرگ عبور به دنیای کار به شمار نمی رود و مطابق آمار رسمی حدود ۱/۴ جوانان بالاتر از ۱۸ سال بیازند.

سرمایه داری معاصر جامعه را به دو بخش متغیر تبدیل می کند. از طرفی به کادرها و نیروهای نخبه با شرایط دار فوق العاده مساعد نیاز داشت و از طرف دیگر برای اکثریت باقی مانده نیروی کار راهی جز جذب به بخشهای سنتی اقتصاد با درآمد متوسط و پائین به ارتش بیکاران باقی نمی گذارد.

سرانجام باید به مسئله گسترش انفجاری ارتباطات و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی تاثیر آن بر جوانان و از این رهگذر حساسیت آنها نسبت

جنبش جوانان و دانشجویان فرانسه:

تجربه های جدید

واقعی جنبش بود. این ویژگی بویژه با توجه به خود جوش بودن جنبش و ضعف نسبی نیروی هدایتگر آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. جنبش توانست در انتهای حرکت کوتاه خود (کمتر از ۲۰ روز) بدون هیچگونه سازش و عقب نشینی و با اعتماد به نفس و اراده تحسین انگیزی به تمامی خواسته های خود دست یابد.

به عنوان چهارمین ویژگی باید از گستردگی و وسعت بی سابقه جنبش و شرکت تقریباً همه دانشجویان و بخش مهمی از دانش آموزان دبیرستانی و سایر جوانان، یاد کرد. جنبش موفق شد در یک چشم پیمودن نه تنها به کلیه مؤسسات آموزشی ذریعته راه یابد، که حمایت توده های مردم را نیز به خود جلب کند. نظر خواهی های انجام شده در فرانسه نشان می دهد بیش از ۸۵ درصد جوانان و ۷۰ درصد افراد جامعه از جنبش دانشجویی پشتیبانی می کردند.

ویژگی دیگر جنبش اخیر، تأثیرپذیری چشمگیر آن از همه پدیده های مهمی بود که از جمله طوفانهای اخیر در زندگی جوانان فرانسه (ویطور کلی اروپای غربی) به طرز برجسته ای خود را نمایانده است. همبستگی بی سابقه، صراحت خواستها و شعارهای انسانی و در مخالفت با تمایلات نژاد پرستانه در تمام مراحل جنبش جلب توجه می کرد. یکی از نشانه های بارز اصلیت و هویت جنبش هم در این ویژگی نهفته بود.

مجموعه ویژگی های فوق را به یقین بازتاب واقعیت موجود در میان جوانان در اکثر کشورهای سرمایه داری غرب و تحولاتی است که این گروه اجتماعی طی دو سه دهه اخیر از سر گذارنده است. بسیاری از این ویژگیها پیش از آنکه نشانه ضعف و یا سست بودن جنبش جوانان باشند، نشانگر وضعیت مشخص جوانان و تمایلات و انگیزه های عینی آنها در شرایط کنونی هستند. بنابراین برای شناخت دقیقتر این واقعیتها و شرایط عینی زندگی جوانان باید به سراغ جامعه رفت تا زمینه های اجتماعی حرکت کنونی را بهتر دریافت.

جایگاه و نقش اجتماعی جوانان در این رهگذر دستخوش تغییرات جدی شده است. اگر جنبش های دانشجویی و جوانان اواخر دهه شصت میلادی را اولین طایفه های حضور نیروی اجتماعی نوینی در جامعه معاصر - یعنی جوانان - بدانیم، حرکت های اخیر جوانان بازگو کننده کیفیت کنونی این گروه اجتماعی بویژه در ارتباط با سرنوشت خود و جامعه ای است که در آن زیست می کنند. بطور نمونه در فرانسه تعداد دانشجویان از حد اکثر ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۶۰، امروزه به بیش از یک میلیون نفر رسیده است.

آموزش اجباری که در گذشته تا سن ۱۴ سالگی بود، امروزه تا پایان دوره متوسطه را در بر می گیرد، این تغییرات جدی وزن مخصوص روشن فکران را در میان جوانان بسرعت افزایش

گل، با سکوت پرمعنائی در سراسر فرانسه رژه رفتند و تنفر و خشم عمیق خود نسبت به روش سرکوبگرانه پلیس و دولت به نمایش گذاردند.

جنبش تاریخی و نوین جنبش دانشجویی نوامبر و دسامبر ۱۹۸۶ فرانسه را به لحاظ وسعت، ضمیمه و ویژگی های آن باید جنبشی تاریخی و کم سابقه نامید. این حرکت گسترده دارای ویژگیهایی بود که آنرا از جنبشهای دانشجویی سالهای گذشته بویژه جنبش معروف و تاریخی ۱۹۶۸ تا حدود فراوان متمایز می نماید. جنبش دانشجویی اخیر در نمود های بیرونی خود رنگ و بوی سیاسی نداشت. با وجود طرح شعارهای پراکنده علیه شیراک و وزیر کشور وی که به بیرحمی مشهور است، جنبش تا پایان در اصلی ترین خطوط و خواسته های خود صنفی ماند. این ویژگی را باید، خود یکی از علل فراگیری بی سابقه جنبش به حساب آورد. اما این فقط بخشی از واقعیت است. در حقیقت سیمای "غیر سیاسی" جنبش بیش از همه بخاطر استقلال آن از نیروهای شناخته شده سیاسی جامعه طرح می شود.

این جنبش در فضای سیاسی مطب بندی شده جامعه فرانسه کاملاً "نو و بدیع" بود. به عبارت دیگر اپوزیسیون مترقی نوینی بصورت مستقل در خیابانهای فرانسه شکل گرفت و توانست تأثیر فراوانی از خود بر جا گذارد.

نگاهی به سمت جنبش و از همه مهمتر نتایج و پی آمدهای آن نشان می دهد که این حرکت تا چه اندازه ای سیاسی بوده است. در پی این جنبش موقعیت شیراک به شدت تضعیف شد و دولت آشکارا اعتماد به نفس خود را از دست داده و روحیه مقاومت و مبارزه جوشی مردم در برابر اقدامات ضد اجتماعی و ارتجاعی دولت به طرز چشمگیری افزایش یافته است.

دومین عنصر قابل توجه در جنبش ۱۹۸۶ اغیبت و یا کم رنگ بودن چشمگیر نقش سازمانهای صنفی و یا سیاسی دانشجویی بود. سند یادداشتها و تشکلهای نزدیک به کمونیستها، سوسیالیستها و یا سایر عناصر چپ، در عمل نقش حاشیه ای ایفا می کردند. جنبش توانست در مدت بسیار کوتاهی نیروی عداوتگر و رهبری کننده خود را از طریق انتخابات داخلی دانشگاهها و واحدهای آموزشی با شرکت بیش از ۲۰۰ هیئت نمایندگی بوجود آورد. عرچند این مرکز هماهنگ کننده بخاطر بی تجربگی خود مشکلاتی را در امر مبارزه سبب می گردید، اما ارتباط زنده و دائمی آن با توده های دانشجویی، تدبیر آرای مستقیم دانشجویان در هر مرحله مبارزه و التزام علی آن به بحثهای دموکراتیک در درون هر واحد آموزشی مشافه قدرت بی پایان و تحسین انگیز آن به شمار می رفت.

سومین ویژگی مهم، واقع بینانه و برخورد عینی و مشخص آن با مبارزه درگیر شده و امکانات و توان

نیمه دوم نوامبر و اوایل دسامبر فرانسه شاهد موج عمیق جنبش دانشجویی بود که بدون تردید باید آنرا بی سابقه و استثنائی نام داد.

عنه چیز بسیار ساده از اعتصاب دانشجویان دانشگاه پاریس ۱۲ در اعتراض به طرح وزیر مشاور تحقیقات و دانشگاهها (معروف به طرح دوواکه) پیرامون اصلاحات نظام آموزشی در سطح آموزش عالی آغاز شد. دانشجویان اعتصابی برای جلب عیستکی نمایندگان خود را به سایر دانشگاهها روانه ساختند. در مدت کوتاهی دانشگاهها یکی پس از دیگری به اعتصاب پیوستند و روز ۲۵ نوامبر در عمل بیش از ۷۵

دانشگاه در سراسر فرانسه و ده ها دبیرستان و مؤسسه آموزشی دیگر فعالیتهای خود را متوقف کردند. روز ۲۷ نوامبر ۲۰۰ هزار دانشجوی در پاریس و ۲۰۰ هزار نفر در شهرهای بزرگ دانشگاهی علیه پروژه "دوواکه" دست به راهپیمائی زدند و خواستار پس گرفتن کامل طرح دولت شدند. اما دولت ارتجاعی شیراک حاضر به هیچگونه عقب نشینی نبود. درست یک هفته بعد روز ۴ دسامبر خیابانهای پاریس پذیرای بیش از یک میلیون نفر دانشجوی و دانش آموز شد و فاصله آنها و ابتدای صفوف تظاهر کنندگان به بیش از ۸ کیلومتر بالغ می گردید. در این روز مردم و نیروهای سیاسی فرانسه دریافتند، نیروی اجتماعی عظیم و نوینی پا به عرصه مبارزه گذاشته است که هیچ کس نمی تواند آنرا نادیده انگارد. با سمج و امتناع دولت شیراک از پس گرفتن طرح دوواکه، از شبانه ۴ دسامبر پاریس و شهرستانها به صحنه تظاهرات خشم آلود، درگیری و زد و خورد نیروهای پلیس و دانشجویان بدل گشت. در جریان همین درگیری در اولین ساعات روز ۶ دسامبر یک دانشجو دانشگاه پاریس ۹ بدست نیروهای پلیس به قتل رسید. برخورد های خشن و سرکوبگرانه پلیس علیه دانشجویان، موجی از تأثر و همدردی بی سابقه در دانشگاهها و سایر محیطهای آموزشی و جامعه را در پی داشت. دانشجویان یکصد و به ادامه اعتصاب رای دادند و مردم را به حمایت او خود فراخواندند. دولت شیراک که ۹ ماه تمام بدون برخورد با مقاومت جدی سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی خود را یکی پس از دیگری به اجرا در می آورد، در پرتگاه بحران بی سابقه ای قرار گرفت. سرانجام روز دوشنبه ۸ دسامبر شیراک برای جلوگیری از رشد پرشتاب و باورنکردنی دامنه اعتراضات و برخوردها و نیز تحت افکار عمومی، بر صحنه تلویزیون ظاهر شد و بر خواسته های دانشجویان کردن نهاد. اما حادثه مرگ یک دانشجو آنچنان تلخ و ناگوار بود که غیرممکن این پیروزی کامل و بزرگ، دانشجویان اعتصابات خود را سه روز دیگر ادامه دادند. روز ۱۰ دسامبر صدها هزار دانشجو در سراسر فرانسه به همراه سند یاهای کارگری و احزاب چپ از جمله حزب کمونیست، با پرچمهای سیاه، شلغهای

مقاومت در زندانها

مقاومت فهرمانانه زندانیان سیاسی، فشار همه جانبه خانواده‌های آنها و افشاکاری گسترده نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور، اینبار چنان موثر واقع شد، که رژیم آدامکس جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار نموده است.

رژیم، که پس از اعتصاب غذای اخیر، از ملاقات خانواده‌های زندانیان سیاسی، با عزیزان در بند شان جلوگیری نموده بود، پس از موج اعتراضات اخیر در داخل و خارج از کشور، دوباره امکان ملاقات را فراهم نموده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی در اولین ملاقات پس از وقایع اخیر، عزیزان خود را با سرو روی مجروح و جراحات شدید وارده به آنها باز یافتند. این امر حاکی از آنست، که گرازان رژیم در جریان اعتصاب غذای اخیر، زندانیان سیاسی را بشدت مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

مسئولین امر در مقابل نگرانی عمومی و جهش آرام کردن مردم، طی مصاحباتی دست به عوامفریبی و توجیه اقدامات خود زدند. از آنجا که توجیهات یاد شده، خود نیز رسواکننده رژیم جمهوری اسلامی است، ما خوانندگان را با گوشه‌گاشی از مطالب مطروحه، آشنا می‌کنیم:

مجید انصاری سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی کشور ضمن یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی ادعا کرد: "در جمهوری اسلامی هیچ فردی به عنوان فعالیت سیاسی دستگیر نشده مگر اینکه تفکرات سیاسی آنها علناً به جنایت همراه بوده است."

او نگرانی خود را از افشاکاری علیه رژیم با حمله به سازمان حقوق بشر و غیرواقعی دانستن ارقام ارائه شده در سازمان ملل و افزایش آمار زندانیان سیاسی ادامه داده و ادعا کرد: "چون تغییرات مثبت انجام شده در زندانهای جمهوری اسلامی در نوع خود بی‌نصیر است، آنها می‌خواستند موقعیت ما را خدشه دار و خنثی نمایند."

انصاری در این مصاحبه گفت که تغییرات مثبت مورد ادعای او چیست. شاید او فرستادن دزدان و جنایتکاران حرفه‌ای به سلول زندانیان سیاسی را شگرد جدید و مثبتی میدانند که جهانیان از درک آن غافلند!

و اما در مورد افزایش آمار زندانیان سیاسی، بدون ذکر و یا اشاره به تعداد آنها بلا مخدوش کردن آمار زندانیان سیاسی با مجرمین عادی و جنائی، از آمار کل زندانیان سخن رانده و افزایش تعداد زندانیان را به جرائم غیرسیاسی نسبت می‌دهد. در همین جا نیز او بدون اینکه خواسته باشد، یکی دیگر از جنبه‌های ضدبشری رژیم ولایت فقیه را برملا می‌کند. او می‌گوید: "در کشور ما چون با مسائل شرب خمر و روابط نامشروع برخورد می‌شود (که ایمن در سایر کشورها اعمال نمی‌گردد) عده زیادی از زندانیان را این افراد تشکیل می‌دهند."

بدین ترتیب او اعتراف می‌کند که در جمهوری اسلامی استفاده از عادی‌ترین حقوق شهروندی بر خلاف سایر کشورها، نیز به جرایم سیاسی اضافه می‌گردد.

سرپرست زندانها فراموش می‌کند که مصاحبه را برای تبلیغ "عدل اسلامی" در رژیم ولایت فقیه و رعایت حقوق بشر در زندانهای ایران ترتیب داده است. او از ترس دیگر رفیضان اسلامی که می‌داد او را به عدم ماطعیت اسلامی محکوم کنند، می‌گوید: "کلیه سران گروهکها که در زندان بسر می‌برند، محال و جنایتشان اثبات شده و به‌زودی به مجازات خواهند رسید."

به روشنی پیداست که تا کون، رهبران عیچیک از سازمانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران، از امکان محاکمه‌ای غنی که جزو ابتدایی‌ترین حقوق زندانیان است، برخوردار نبوده‌اند و سرپرست زندانها، با اعلام اینکه "جنایت" آنها اثبات گردیده است، در حقیقت دست در خیماں رژیم ولایت فقیه‌رادر شکنجه و آزار زندانیان سیاسی باز می‌گذارد.

وی در همین مصاحبه علت عدم همکاری رژیم را با سازمان حقوق بشر، عدم اطمینان به این سازمان ذکر می‌نماید و می‌گوید: "البته درهای زندانهای ما برای کلیه سازمانها و ارگانهای بین‌المللی بی‌غرض باز است و مشکلی در این میان نیست."

سرپرست سازمان زندانها در مقابل فشار همه‌جانبه داخلی و بین‌المللی است که مجبور به چنین ادعائی می‌شود. لازم به یادآوری است که سران رژیم ولایت فقیه سازمانهای بین‌المللی از جمله حقوق بشر و غو بین‌المللی را مغرض دانسته‌اند. با این وجود ما از تمام سازمانهای بین‌المللی خواستاریم که با کوششی گسترده برای بازید از زندانیان سیاسی، امری که تا کون از سوی جمهوری اسلامی رد گردیده است، پای بفشارند.

سال ۱۹۸۷ میلادی

فرارسیدن سال نو میلادی را به هم میهنان مسیحی تهنیت گفته و برای آنها در پیکار مشترکشان به‌همراه سایر مردم ایران، علیه رژیم تاریک اندیش و خونریز جمهوری اسلامی، پیروزیهای بزرگی آرزو مندیم.

"هیئت تحریریه پژواک"

اخبار رسیده از ایران

* کمبود نفت و واکنش مردم

با سرد شدن هوا، مسأله کمبود نفت نیز چون دیگر کمبودها، نگرانی‌هایی را برای مردم بوجود آورده است. کمبود نفت در اصفهان، و اعتراض مردم این شهر اخیراً حادثه‌ای بوجود آورده، که مدتی است ورد زبانهاست:

در یکی از صف‌هایی که برای گرفتن نفت در یکی از محله‌های اصفهان تشکیل شده بود و نفت - فروش به علت نداشتن نفت به مردم پاسخ نمی‌داد، کم‌کم زمره‌های اعتراضی مردم اوج می‌گرفت. این زمره‌ها با حالتی تسخرا میز نسبت به خمینی، به شعار "ما همه سران توایم نفت فروش - گوشت‌فروشان توایم نفت فروش" تبدیل می‌شود. عده زیادی که ساعت‌ها در صف منتظر ایستاده بودند، همراه با مردمی که در اطراف آنها تجمع نموده بودند، با صدای بلند شعار فوق را تکرار می‌کنند. نفت فروش هم به میان مردم رفته و با صعود بر روی یک بلندی، با حرکات دست به همان سان که شیوه خمینی است، به شعار و "احساسات" مردم پاسخ می‌دهد. این جریان کم‌کم بعد وسیع‌تری بخود می‌گیرد تا اینکه گشتی‌های سپاه سر می‌رسند و با متفرق کردن مردم، نفت فروش را دستگیر کرده و او را به ۷۰ ضربه شلاق محکوم می‌کنند.

* "مقاومت خلق بلوچ اوج می‌گیرد"

در پی درگیریهای شدید میان گروهکها و فبائل بلوچ با ارگانهای سرکوب (کمیت و ژاندارمری) که اخیراً "وسعت یافته و ابعاد آن گاه" به چندین روز درگیری مسلحانه در شهرها و جاده‌ها منجر گردیده است، در تاریخ ۲۵/۸/۶۵ بدت ۲۴ ساعت درگیری شدیدی در نواحی و اعراف زاهدان میان فبائل بلوچ و کمیت در گرفته است که در نهایت منجر به خلع سلاح چندین پاسگاه و لانتری به نفع مردم بلوچ گردیده است.

این درگیریهای مسلحانه غیرموجود عسده زیادی ما چاقچی و اوایشان واردکننده مواد مخدر که با معامات دولتی درگیرند، خیل وسیعی از مردم محروم و زحمتکش بلوچ را شامل می‌گردد که خواسته‌ای جز خود مختاری و اخراج ماورین کمیت و سپاه از منطقه بلوچستان را ندارند.

بقیه در صفحه ۵

حساب بانکی ما

9955903000
Berliner Bank
Aznavian

نشانی ما:

PLK
NR. 032363 C
1000 BERLIN 12.

نشریه خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز در برلین غربی

به‌ها معادل ۱/۵ مارک آلمان فدرال

5. Jan. 87

پژواک

Pejvak